

فصلنامه عقیدتی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

مهدویت

کانون فرهنگی، دانشجویی مهدویت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب - شماره دوم، بهار ۱۴۰۰

﴿قطره ای از دریای نور﴾ ﴿یادگار ناس﴾ ﴿بای مشیر﴾ ﴿زندگی مهدوی﴾ ﴿داستان کوتاه﴾ ﴿برگی از جنس طلا﴾
﴿لطایف﴾ ﴿مناسبت ها﴾ ﴿سرو قامتان همیشه سر بلند و...﴾

هر سخنان
عقل حاصله
مؤثر است
لذت بخش
باید
مفصلت
و لا اله الا الله
محمد و آله

خوش آن دمی که بهاران قرارمان باشد
ظهور مهدی زحرا بهارمان باشد



یُمَقَلِّبُ الْقُلُوبَ وَلَا حَسْرَةَ
 يَنْتَبِرُ لِلدَّيْلِ وَلَا نَحْمَسَةَ
 مَحْمُولٌ لِلْحَوْلِ وَلَا اِحْوَالَ
 حَوْلَتِكَ لَنَا لَمْ يَحْسَبِ الْحَوْلُ



بهار می آید، با ترانه دل انگیز باران و ترنم شیرین جویبار، مزوج با ولادت
 حضرت صاحب الزمان (عج) که رک های خاک را از زلال جاری عشق آکنده می سازند

باشد تا

طراوت شکوفه های نوشگفته را به میهمانی خانه های دلمان بخوانیم
 و برای تداوم مسیر دلنشین انتظار با سرخی لاله ها چمان ببندیم
 تنگ بلورین زندگی تان لبریز از قطره های شبنم عشق و ایثار

والعاقبة للمتین
 ناصر حبیب زاده اقدمی
 دبیر کانون فرهنگی و اجتماعی مهدویت



دعای فرج

إلهی عظیم البلاء، وَ بَرِحِ الْخَفَاءَ، وَ انْكَشِفِ الْغَطَاءَ، وَ انْقَطِعِ الرَّجَاءَ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَیْكَ الْمُسْتَكْفَى، وَ عَلَیْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرُّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَوْلَى الْأُمْرِ الَّذِينَ قَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّا كَافِيَانِ، وَ انصُرَانِي فَإِنَّا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ، أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

خدا یا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شده و پرده از کار برداشته شده و امید قطع شده و زمین تنگ شده و از زیرش رحمت آسمان جلوه گیری شود تویی یاور و سلوه بوسی تو است و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد آن زاهد ارانی که پیرویشان را برابر ما واجب کردی و بدین سبب مقام و منزلتشان را با ما نشانندی به حق ایشان به ما کاشی ده فوری و نزدیک مانند چشم بر هم زدن یا نزد مکترا ای محمد ای علی ای محمد مر اکیفایت کنید که شاید کفایت کننده ام و مر ایا ی کنید که شاید یاور من ای سرور ما ای صاحب الزمان فریاد، فریاد، فریاد، دیاب مر ا دیاب مر ا دیاب مر ا همین ساعت همین ساعت هم اکنون زود زود زود ای خدا ای مهرباترین مهربانان به حق محمد و آل پاکیزه اش.



انتقاد آراء اسلامی و اندیشه خرد

«در محفل خطابی و صلواتن ملتمس دعای خیرتان هستیم»

«فهرست»

۱	تبریک دبیر کانون
۲	دعای فرج
۴	قطره‌ای از دریای نور
۵	یادگاریاس
۹	سفره هفت سین
۱۰	هفت سین قرآنی
۱۱	چستی مهدویت و مهدویت در ادیان مختلف
۱۳	داستان کوتاه
۱۵	پای نبر
۱۶	نوروز
۱۸	زندگی مهدوی
۱۹	لطایف
۱۹	سروقامتان
۲۰	استعداداریم با دقت مطالعه فرمایید



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

فصلنامه تحقیقی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

مهدویت

صاحب امتیاز: کانون فرهنگی، دانشجویی مهدویت

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

مدیر مسئول: زهرا مینایی

تهیه و تنظیم: ناصر حبیب زاده اقدمی

نشانی: شهرک قدس (شهرک غرب)، بلوار فرحزادی،

بلوار دامن، خیابان درختی، کوچه تقفی، پلاک ۱۶

کد پستی: ۱۴۶۸۷۶۳۷۸۵

پست الکترونیکی: nfadak14@gmail.com

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

سوره توبه، آیه ۳۳، برای فهم معنی این آیه باید نخست به آیه پیش از آن باز گردیم آنجا که می گوید: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن نُبَيِّنَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (دشمنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا می خواهد نور خود را تکمیل کند اگر چه کافران کراهت داشته باشند). از این آیه به خوبی روشن می شود که اراده پروردگار بر تکامل نور اسلام تعلق گرفته، و تکامل واقعی آن هنگامی خواهد بود که بر سراسر پهنه جهان سایه افکند. سپس با وضوح بیشتر این حقیقت را درآیه موردبحث بازگو کرده می فرماید: خداوند کسی است که پیامبرش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان ناخشنود باشند. همین وعده با تفاوت مختصری در آیه ۲۸، سوره فتح، تکرار شده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی ادیان پیروزش گرداند، و همین بس که خداوند گواه این وعده بزرگ است).

و بالاخره برای سومین بار این وعده بزرگ را در سوره صف آیه ۹، با همان تعبیر سوره توبه ملاحظه می کنیم: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» از مجموع این آیات که در سه سوره از قرآن ذکر شده اهمیت این وعده الهی اجمالاً به دست می آید. ولی مهم این است که مفهوم جمله «لیظهره» در اینجا روشن گردد: اولاً، ضمیر «ه» آیا به پیامبر (ص) باز می گردد یا به «دین الحق»؟ در صورت اول مفهومش پیروزی پیروزی پیامبر (ص) بر همه ادیان است، در صورت دوم پیروزی آئین اسلام. اما با توجه به این که «دین الحق» نزدیکتر است، طبق قواعد ادبی رجوع ضمیر به آن صحیح تر به نظر می رسد (اگر چه در نتیجه تفاوت چندانی نخواهد داشت). به علاوه، پیروزی یک آئین بر آئین های دیگر، تعبیر مناسب تری است تا پیروزی شخص بر آئین ها. (دقت کنید). ثانیاً، (و مهم همین قسمت است) منظور از ظهور در اینجا چیست؟ شک نیست که «ظهور» در اینجا به معنی بروز و آشکار شدن نمی باشد بلکه به معنی غلبه و پیروزی است؛ زیرا یکی از معانی مشهور این کلمه همین معنی است؛ در کتاب قاموس که از منابع معروف لغت عربی است چنین آمده: ظهر به و علیه غلبه. در کتاب مفردات راغب نیز آمده است ظهر علیه غلبه.

در آیات متعددی از قرآن مجید که در سوره مؤمن و کهف و توبه آمده این کلمه به معنی «غلبه و پیروزی» استعمال شده است مانند: «كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً» (چگونه پیمان آنها احترام دارد با اینکه اگر بر شما پیروز شوند مراعات خوشاوندی و پیمان را نخواهند کرد!)، «يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ...» (ای گروه فرعونیان! امروز شما در روی زمین پیروزی دارید اما...)، «إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» (آنها اگر بر شما (اصحاب کهف) پیروز گردند سنگبارانان می کنند)، ولی سخن در این است که منظور از پیروزی این آئین بر سایر آئین ها چه نوع پیروزی است؟ مفسران سه تفسیر برای آن ذکر کرده اند.

۱. پیروزی منطقی؛ یعنی با مقایسه اسلام با آئین های دیگر که غالباً آمیخته با خرافات شده، پیروزی منطقی مستدل آن بر سایر منطقی ها آشکار است. طرفداران این تفسیر معتقدند هرگاه توحیدخالص اسلامی را با انواع توحیدهای آمیخته با شرک، و یا شرک خالص، مقایسه کنیم برتری مکتب اسلام بر سایر مکاتب روشن می شود، همچنین مباحث دیگر. این وعده الهی جامه عمل به خودپوشیده است؛ حتی مقایسه شعراذان که شعاری گویاوتکان دهنده است با شعار ناقوس و بی شعاری بسیاری از ادیان، روشنگر این پیروزی منطقی است. ۲. منظور پیروزی عملی و غلبه خارجی بر سایر ادیان است، منتها در یک مقیاس منطقی ای نه جهانی و عمومی. این نیز تحقق یافته؛ چرا که اسلام در عصر پیامبر (ص) بر شبه جزیره عرب، و پس از آن بر بخش عظیم آبادی از جهان غلبه یافت و پیروان ادیان و مذاهب دیگر در این مناطق که از دیوار چین - بلکه ماورای دیوار چین - تا ساحل اقیانوس اطلس امتداد می یافت، غالباً در برابر اسلام سر تعظیم فرود آوردند. حتی زمانی که سلطه حکومت اسلامی از این نقاط بر چیده شد باز اسلام به عنوان یک مکتب و آئین پا برجا در این مناطق متوطن گردید.

۳. منظور پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تمامی روی زمین است، که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی می شود، و این تفسیر را جمعی از مفسران اهل تسنن علاوه بر مفسران شیعه پذیرفته اند. مسلماً این وعده تاکنون عملی نشده و تنها بر حکومت جهانی مهدی موعود (عج) منطبق می گردد که حکومت حق و عدالت همه جا را فرا گیرد و این آئین بر تمام آئین ها در مقیاس جهانی غلبه یابد. و قرآنی در دست داریم که اولویت تفسیر سوم را بر تفاسیر دیگر به ثبوت می رساند؛ زیرا: اولاً، غلبه و پیروزی که از کلمه «ظهور» استفاده می شود ظاهر در غلبه حسنی و عینی و خارجی است، نه غلبه ذهنی و فکری، و لذا در هیچیک از مواردی که از قرآن بر شمریم «ظهور» به معنی غلبه ذهنی نیامده بلکه اگر به آیات گذشته بازگردیم و دقت کنیم می بینیم در تمام این موارد به معنی غلبه عینی و خارجی است. ثانیاً، ذکر کلمه «کله» به عنوان تأکید روشن می کند که غلبه جنبه منطقه ای و محدود ندارد بلکه شامل عموم ادیان و مذاهب جهان می شود و این جز از طریق فراگیری و شمول اسلام نسبت به جهان ممکن نیست. ثالثاً، روایاتی که در تفسیر آیه فوق به ما رسیده، تفسیر سوم را تقویت می کند مانند روایات زیر:

۱. «عِثَانِي» به اسناد خود از «عمران بن میثم» از «عبایه» چنین نقل می کند: امیر مؤمنان علی (ع) هنگامی که آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...» را تلاوت فرمود از یاران خود پرسید: اظهر ذلک؟ (آیا این پیروزی حاصل شده است؟) عرض کردند: آری!، فرمود: «كَلَّا؛ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَبِنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةِ إِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكَرَةً وَعَشِيًّا»؛ نه، سوگندبه کسی که جانم به دست او است این پیروزی آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند مگر این که صبح و شام بانگ لا اله الا الله از آن به گوش می رسد!

۲. در حدیث دیگری از امام باقر (ع) می خوانیم: «أَنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أقرَّ بِمُحَمَّدٍ (ص)» (این پیروزی به هنگام قیام مهدی از آل محمد (ص) خواهد بود، آنچنان که هیچ کس در جهان باقی نماند مگر اینکه اقرار به محمد (ص) خواهد کرد).

۳. مقداد بن اسود چنین می گوید: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرُورٌ إِلَّا وَبِرَّ الْأَخْلَاقِ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ» (برسرار روی زمین خانه ای از خشت و گل و خیمه ای (در بیابان باقی نمی ماند) مگر این که آئین اسلام در آن ورود خواهد کرد. روایات دیگری نیز در تفسیر آیه فوق به همین مضمون وارد شده است.



یادگاریاس «شناخت حضرت مهدی (عج)»

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين

«متن کامل سخنرانی رهبر انقلاب به مناسبت ولادت حضرت امام زمال (عج)»

عید سعید نیمه شعبان بر همه شما برادران و خواهران عزیز، بر همه ملت ایران، بر همه مسلمانان جهان و همه آزادی خواهان سطح دنیا مبارک باد. بنده متأسفانه توفیق دیدار نزدیک شما را ندارم و ناچار از دور با شما حرف میزنم، لکن این هم تجربه‌ای است.

امروز چند جمله درباره‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) عرض می‌کنیم؛ چند جمله هم درباره‌ی این مسئله‌ی جاری کشور با ملت عزیزمان صحبت می‌کنیم. اول سلامی عرض بکنیم خدمت حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه):

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَسْبُوبُ وَ الْغُوثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعِدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ. سلام بر تو ای ذخیره‌ی الهی در زمین، بقیةالله؛ سلام بر تو ای عهد و میثاق استوار خداوندی؛ سلام بر تو ای وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار، ای پرچم برافراشته، ای دانشی از آسمان فروریزیده، دنباله‌ی این زیارت شریف آل یاسین، عاشقانه است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تَبْتَئِنُ» تا آخر. شاید در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده باشد که احاد بشری در همه جای عالم جامعه‌ی بشری به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند؛ چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس می‌کنند، چه بسیاری از مردم که احساس نیاز می‌کنند ولی در ناخودآگاه خودشان؛ احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم، احساس نیاز به عصمت، به هدایت الهی. کمتر دوره‌ای در تاریخ این همه احساس نیاز به این حقیقت والا انسان سراغ دارد. امروز بعد از آنی که بشریت مکاتب گوناگون و نحله‌های فکری گوناگون و مسلک‌های گوناگون را تجربه کرده از کمونیسم تا دموکراسی غربی تا لیبرال دموکراسی رایج در دنیا با این همه ادعایی که اینها دارند، بشر بعد از اینکه اینها را تجربه کرده احساس آسایش نمی‌کند، بشر با این همه پیشرفتهای علمی حیرت‌آور که بکلی وضع زندگی را در جهان تغییر داده، احساس خوشبختی نمی‌کند. بشریت دچار فقر است، دچار بیماری است، دچار فحشا و گناه است، دچار بی‌عدالتی است، دچار نابرابری است، دچار شکاف طبقاتی بسیار وسیع است. بشر دچار سوءاستفاده‌ی قدرتها است از علم؛ قدرتها از علم سوءاستفاده میکنند؛ از کشفیات طبیعت سوءاستفاده میکنند؛ از توانایی‌های استخراج شده‌ی از طبیعت سوءاستفاده میکنند؛ بشر با اینها مواجه است. اینها موجب شده است که انسانها احساس خستگی کنند در همه جای دنیا؛ احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش کنند.

عدالت به وسیله علم پیشرفته‌ی امروز و فناوری پیشرفته‌ی امروز قابل حل شدن نیست

مردم، میلیاردها انسان در دنیا گرفتارند؛ بعضی ممکن است آسایش داشته باشند، لکن همانها هم آرامش ندارند؛ بشر دچار نگرانی است، دچار اضطراب است و این پیشرفتهای و تحولات گوناگون نتوانسته است به بشر خوشبختی ببخشد. البته خرد انسانی نعمت بزرگی است، تجربه نعمت بزرگی است، [اینها] نعمتهای خدا است و میتواند بسیاری از مشکلات حیات را حل کند؛ لکن برخی از گره‌ها هست که با اینها باز نمیشود. فرض کنید همین مسئله‌ی عدالت؛ عدالت به وسیله علم پیشرفته‌ی امروز و فناوری پیشرفته‌ی امروز قابل حل شدن نیست، گرهش بازشدنی نیست، امروز بی‌عدالتی در دنیا از علم تغذیه میکند؛ یعنی علم





پیشرفته در خدمت بی‌عدالتی است، در خدمت جنگ‌افروزی است، در خدمت تصرف سرزمین‌های دیگران است، در خدمت سلطه‌ی بر ملت‌ها است. این گره‌ها را دیگر پس علم نمیتواند حل بکند؛ اینها احتیاج دارد به یک قدرت معنوی، قدرت الهی، دست پر قدرت امام معصوم، او بتواند این چیزها را انجام بدهد؛ لذا مأموریت بزرگ حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداء) عبارت است از: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارتها به این معنا اشاره شده است: معنی ایجاد قسط و عدل؛ این، آن چیزی است که جز از دست قدرت الهی که از آستین حضرت بقیة‌الله بیرون می‌آید، امکان‌پذیر نیست. و این عدلی هم که انتظار هست حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست؛ عدل در همه‌ی شئون زندگی است. عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی، در منزلت اجتماعی، در همه‌ی ابعاد زندگی، عدالت در معنویت و امکان رشد؛ اینها چیزهایی است که انتظار هست که به وسیله‌ی حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداء) در عالم وجود، در دنیا به وجود بیاید و ان‌شاءالله به لطف الهی خواهد شد. آحاد بشر، چه آنهایی که نخبه هستند و حوادث را میتوانند تشخیص بدهند، چه توده‌ی مردم که بعضی‌ها ممکن است گرفتار زندگی‌اند، غافلند در سطح دنیا، در کشورهای مختلف، همه این احساس نیاز را دارند؛ منتها بعضی آگاهانه، بعضی غیر آگاهانه؛ و البته در همه‌ی ادیان هم این وعده داده شده است. در همه‌ی ادیان وعده‌ی یک فرج و یک حرکت عظیم الهی در انتهای تاریخ، که البته این هم پایان تاریخ نیست؛ از زمان حضرت ولی‌عصر، دنیای واقعی و زندگی واقعی بشر از آن وقت شروع میشود؛ لکن در انتهای این وضع زندگی‌ای که امروز ما داریم، همه وعده‌ی آن چنان عاقبتی را داده‌اند. خب، پس این نیاز هست؛ لکن برای اینکه این نیاز جهت پیدا کند و مفید فایده‌ای باشد، در اسلام خواسته شده است از ما که انتظار داشته باشیم.

انتظار یعنی امید؛ انتظار یعنی اعتقاد به اینکه یک آینده‌ی قطعی‌ای وجود دارد؛ صرف نیاز نیست، انتظار سازنده است.

«انتظار» فراتر از نیازمندی است، فراتر از احساس نیاز است. گفته‌اند منتظر باشید؛ انتظار یعنی امید؛ انتظار یعنی اعتقاد به اینکه یک آینده‌ی قطعی‌ای وجود دارد؛ صرف نیاز نیست، انتظار سازنده است، لذا در روایات ما، معارف ما، انتظار فرج جایگاه بسیار مهمی دارد که من حالا یک توضیحی در مورد انتظار فرج بعداً عرض میکنم. در توقیع شریف حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداء) به ابن بابویه - علی‌بن بابویه - از قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ یعنی برترین اعمال امت من این است که منتظر فرج باشم؛ این امید. در یک روایتی از موسی‌بن جعفر (علیه السلام): «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. معرفت یعنی توحید و معرفت حقایق الهی، بعد از او انتظار فرج است. از امیرالمؤمنین (علیه السلام): «إِنْتِظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ؛ انتظار فرج داشته باشید، از روح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید. پس در انتظار فرج امید هست، تحرک هست، اقدام وجود دارد، که البته حالا در مورد انتظار فرج گفته شده است و مسلم است که انتظار فرج یعنی انتظار فرج حضرت ولی‌عصر؛ این یک مصداق از انتظار فرج است. اینی که پیغمبر میفرماید «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، ناظر به همه‌ی مشکلاتی است که برای زندگی انسان پیش می‌آید؛ مشکلات گوناگونی در زندگی پیش می‌آید، انسان در مواجهه‌ی با این مشکلات نیابستی مأیوس بشود؛ باید انتظار فرج داشته باشد؛ باید بداند که فرج خواهد آمد. خود انتظار فرج، یک نوع فرج است که این روایتی است از حضرت موسی‌بن جعفر: لَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؛ خود انتظار فرج انتظار گشایش، خودش یک گشایشی است

اما در مورد این **حادثه‌ی رایج کشور که حادثه‌ی [اوپروس] کرونا است؛** **خب این یک ابتلای**

عمومی است، یک آزمون است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها؛ دولت‌ها هم در این حادثه امتحان میشوند، ملت‌ها هم در این حادثه امتحان میشوند. آزمون عجیبی است. البته در مورد آمارها و اقدام‌های بسیار خوبی که انجام گرفته است و توصیه‌هایی که مسئولین میکنند، حرف زیاد زده شده است و به قدر کافی مطالبی را گفته‌اند؛ صدا و سیما هم انصافاً در این زمینه بسیار خوب عمل کرده و خوب کار کرده است در این مورد؛ من در این زمینه‌ها عرضی ندارم، لکن چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم.

یک نکته این است که ملت ایران در این آزمون درخشید، خوش درخشید؛ ملت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی، این وبای مدرن در واقع باید گفت، ملت ایران خوب درخشیدند. اولاً اوج این افتخار ملی متعلق است به مجموعه‌ی درمانی کشور که من بارها گفته‌ام، باز هم تکرار باید بکنم، عظمت کار اینها و ارزش فداکاری اینها را؛ چه پزشکان، چه پرستاران، چه متخصصین علوم آزمایشگاهی، چه رادیولوژی، چه به‌ورزان خانه‌های بهداشت، چه بخش‌های خدمات، چه بخش‌های تحقیقات، چه مدیریتهای خود وزارتخانه و حول‌وحوش وزارت بهداشت، مدیریتهایی که در این زمینه فعالیتند؛ این اوج افتخار متعلق به اینها است؛ اینها جان خودشان را و سلامت خودشان را در خدمت مردم قرار داده‌اند؛ این خیلی با اهمیتی و با عظمت است. رنج دوری از خانواده را تحمل کردن؛ حتی در نوروز و تعطیلات نوروزی هم خیلی از اینها به خانواده‌هایشان سر نزدند؛ دچار بی‌خوابی، دچار فشارهای عصبی ناشی از برخورد با بیمار بدحال؛ اینها همه را به جان خریدند و یک خاطره‌ی خوشی از دستگاه و مجموعه‌های درمانی کشور در ذهن این ملت خواهد ماند؛ این یک خاطره‌ی خوشی است که در این دوره، جامعه‌ی پزشکی و پرستاری و جامعه‌ی درمانی کشور از خودش یادگار خوبی و خاطره‌ی خوبی را به جا گذاشت.

در کنار اینها، داوطلبان؛ [یعنی] آن کسانی که جزو مجموعه‌های درمانی هم نبودند، اما داوطلبانه آمدند وارد این میدان شدند. طلب جهادی، دانشجویان جهادی، هزاران بسیجی پرتلاش، هزاران بسیجی در بخش‌های مختلف کشور و احاد مردم، خدمات باارزشی که واقعاً از توصیف بالاتر است، اینها ارائه کردند که انسان را حقیقتاً خرسند میکند از سویی و ممنون و متشکر میکند از سوی دیگری. در کنار اینها نیروهای مسلح؛ انصافاً نیروهای مسلح از همه‌ی توان سازندگی خود و ابتکار خود استفاده کردند؛ حتی در زمینه‌ی علمی، حتی در زمینه‌ی مسائل کشفیات و ساخت و ساز و تولید امکانات بهداشتی و درمانی از بیمارستان‌ها تا نگاه‌گاه‌ها تا بقیه‌ی وسایلی که در اختیار نیروهای مسلح بود، بهترین بخش‌های خود را در خدمت این کار گذاشتند؛ توان سازندگی‌شان، توان ابتکارشان را در عرصه‌ی علم و عمل. بعد ظرفیتهای جدیدی کشف شد، پیدا شد، معلوم شد ظرفیتهای بسیار زیادی در داخل نیروهای مسلح و همچنین بیرون نیروهای مسلح وجود دارد که این ظرفیتهای ما نمی‌شناختیم؛ این جوانهایی که می‌آیند در تلویزیون توضیح میدهند، کارهایی که کرده‌اند، چیزهایی که ساخته‌اند، اینها را غالباً ما نمی‌شناختیم؛ این ظرفیتهای کشف‌شده‌ی جدید است. مردم هم انصافاً مشارکتهای مردمی مشارکتهای بسیار زیبا و صحنه‌های جالب و شگفت‌انگیزی را به وجود آورده؛ در همه جا هست. من چند مورد را بخصوص اسم می‌آورم؛ این به معنای این نیست که این چند مورد اختصاص دارند؛ نه، حالا اینها گزارش به بنده شده، اینها را من عرض میکنم. مثلاً در سبزواری طرح هر محله یک قربانی شروع شده؛ اهل محل جمع میشوند یک گوسفند قربانی میکنند، به نیازمندان همان محل گوشت میدهند؛ این خیلی چیز لازم و مهم و کار جالبی است که اینها انجام میدهند برای اطعام نیازمندان. یا در یزد، مادر شهیدی با

برای انسان؛ انسان را از آن حالت یأس، از حال درماندگی که به کارهای عجیب و غریبی انسان را وادار میکند، نجات میدهد. خب این معنایش این است؛ اینکه پیغمبر این جور فرمود و ائمه، یعنی امت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در هیچ حادثه‌ای از حوادث زندگی دچار یأس و ناامیدی نمیشوند و همیشه در همه حال انتظار فرج دارند. خب انتظار به معنای فقط نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به معنای آماده شدن است، به معنای اقدام کردن است؛ به معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که میشود به او دست یافت، برای رسیدن به آن عاقبت بایستی تلاش کند. ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه‌ی مهدوی؛ جامعه‌ی مهدوی. خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است بتوانیم به جامعه‌ی مهدوی نزدیک کنیم که جامعه‌ی مهدوی جامعه‌ی قسط است، جامعه‌ی معنویت است، جامعه‌ی معرفت است، جامعه‌ی برادری و اخوت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی عزت است.

انتظار فرج غیر از بی‌صبری و مدت معین کردن است

یک نکته در باب انتظار فرج این است که انتظار فرج غیر از بی‌صبری و مدت معین کردن است که انسان یک زمانی را در نظر بگیرد که در فلان تاریخ مثلاً بایستی این حادثه تمام بشود یا این شدت به پایان برسد یا حضرت ظهور کنند که بی‌صبری کند انسان، یا به زمین بکوبد، بی‌صبری کند؛ این انتظار فرج، این نیست.

انتظار فرج یعنی آماده‌سازی خود. بی‌صبری کردن، عجله کردن، جزو چیزهایی است که ممنوع است. در یک روایتی دارد که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِجَالَةِ الْعِبَادِ»؛ اگر شما عجله میکنی، شتاب‌زدگی به خرج میدهی، معنایش این نیست که حالا خدا هم تابع عجله‌ی شما تصمیم بگیرد و عجله کند؛ نه، هر چیزی قرار دارد، وقت معینی دارد، حکمتی دارد، بر اساس آن حکمت انجام میگردد. این نکته‌ی دیگر هم عرض کردیم که [از] انتظار فرج، هم مراد فرج نهایی است که ظهور حضرت است، هم فرج بعدالشدّة است؛ یعنی فرج بعد از حوادث دشوار و حوادث همه‌گیر، مثل همین حوادثی که امروز در دنیا وجود دارد که خیلی‌ها را مأیوس میکند، خیلی‌ها را وادار به خودکشی میکند، لکن وقتی که انتظار فرج وجود دارد، نه، انسان میداند که این حادثه بلاشک تمام خواهد شد.

خب، یک نکته‌ی دیگر هم اینجا وجود دارد و اینکه این آرامشی روانی ناشی از انتظار فرج، این اطمینان نفسی که انسان دارد، که تلاطم ندارد نفس انسان و دل انسان، این را میشود افزایش داد به وسیله‌ی دعا، به وسیله‌ی استغاثه، به وسیله‌ی مناجات با پروردگار. **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.** این دعاهایی که وارد شده است، حالا ما الان در ماه شریف شعبان هستیم، بعد هم در ماه رمضان، دعاهای فراوان، مناجاتهای گوناگون، و تکلم با خدای متعال بدون واسطه، این خیلی ارزش دارد. یا با راز و نیاز کردن با ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) که نزدیک‌ترین احاد عالم وجود به پروردگار متعال هستند، اینها به انسان آرامش و امکان اطمینان و آرامش میدهد. یاد خدای متعال گشایش به انسان میدهد، بهجت میدهد به انسان و رحمت الهی را هم جلب میکند که دیشب قطعاً میلیون‌ها دست به دعا برداشته‌شده آثار و برکاتی خواهد داشت. دیشب میلیون‌ها نفر موفق شدند که دل‌هایشان را با خدا آشنا کنند، متصل کنند و دست به دعا بردارند و با خدا حرف بزنند؛ بلاشک این آثار خوب خودش را، هم در خود آنها و هم در کل جامعه نشان خواهد داد و برکات زیادی خواهد بود؛ این چند جمله‌ای که درباره‌ی مسئله‌ی ظهور و فرج و قیام حضرت بقیة الله خواستیم عرض کنیم. حرف در این زمینه‌ها البته خیلی زیاد است و همین مقدار را من بسنده میکنم.

من اینجا این را هم عرض بکنم: یکی از سناتورهای غربی همین چند روز گفته بود که غرب وحشی زنده شده؛ این حرف آنها است. ما وقتی که میگوییم در غرب یک روح وحشیگری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن زده و کراوات بسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجب میکنند و انکار میکنند، این را حالا خودشان میگویند؛ میگویند این نماد زنده شدن غرب وحشی است. یک بُعد دیگری که در مورد این حادثه وجود دارد، رفتار عمومی ملت عزیز ما است در به کار بستن توصیه‌ها؛ که انسان مشاهده میکند واقعاً مردم آنچه را که ستاد ملی مبارزه به صورت قاطع بیان میکند، مردم عمل میکنند. بله، ممکن است یک وقتی یک چیزی را به صورت مردد بیان کنند، مردم به این نتیجه نرسند که باید این کار را کرد اما آنجایی که به صورت قاطع مطلبی گفته میشود و احساس میکنند که این کار باید انجام بگیرد، مردم همراهی میکنند با مصوبات مسئولین؛ یک نمونه‌اش روز سیزدهم فروردین امسال بود؛ انسان باور نمیکرد که مردم سیزده‌بدر را تعطیل کنند اما کردند؛ مردم سیزده‌بدر نفرستند. این نشان‌دهنده ی این است که مردم به معنای واقعی کلمه یک نظم عمومی را پذیرفته‌اند در مواجهه‌ی با این حادثه که البته این باید ادامه پیدا کند؛ این نظم عمومی بایستی وجود داشته باشد، باید تصمیم‌های ستاد ملی [مبارزه با کرونا] — که در این زمینه مسئول درجه‌ی اول ستاد ملی است — جدی گرفته بشود، بر طبق آنها عمل بشود.

یک بُعد دیگر در این قضیه این است که البته کرونا خب یک مشکل بزرگ است برای بشریت امروز، یک ابتلای بزرگ و خطرناکی است که به بشریت رو آورده؛ لکن این مشکل در مقایسه‌ی با بسیاری از مشکلات، چیز کوچکی به حساب می‌آید؛ ما مشکلات فراوانی را در دنیا و در کشور خودمان مشاهده کردیم و داشتیم که از این حادثه کمتر نبود، بلکه بیشتر بود. از جمله، درست در همین ایامی که کرونا به منطقه‌ی ما وارد شد، در ۲۲ سال قبل از این، در همین ایام، هواپیماهای صدام مواد شیمیایی را ریختند در یک بخشهایی، از مردم ما و مردم خودشان هزاران نفر را کشتند با گاز خردل و مانند اینها. این اتفاق، افتاد و البته همه قدرتهای دنیا هم آن روز از صدام حمایت میکردند، به او کمک میکردند. بعضی از همین کشورهای متمدن و متمدنی — در ادعا — بعضی از همینها مواد شیمیایی را به او دادند، سلاح شیمیایی را در اختیار او گذاشتند؛ و تا امروز هم آحدی از آنها حساب پس نداده؛ جواب نگفته که چرا این جنایت را اینها انجام دادند. و آن جنایت‌کار — صدام — با مردم ما این جور عمل کرد، با مردم خودش در حلبچه هم همین جور عمل کرد؛ آنجا هم به خاطر اینکه احساس کرده بود که ممکن است حلبچه، مردم حلبچه با رزمندگان جمهوری اسلامی همکاری داشته باشند، آنجا هم ریخت مردم را توی کوچه خیابان به کام مرگ کشاند؛ اینها خب هست و در جنگهای بزرگ دنیا، در دو جنگ جهانی میلیون‌ها نفر کشته شدند. حالا در قضیه‌ی کرونا مثلاً گفته میشود که مثلاً تا حالا یک میلیون و چه قدر در دنیا، در سطح دنیا کشته شده‌اند. (۱) در جنگ اول و دوم که در اروپا اتفاق افتاد با فاصله‌ی حدود بیست سال، در این دو جنگ چندین میلیون، حالا الان دقیق من یادم نیست، اما میدانم بیش از ده میلیون جمعیت در این جنگها به قتل رسیدند و اینها. در جنگ ویتنام همین جور که آمریکا به ویتنام حمله کرد؛ در جنگهای گوناگون دیگر. در همین اواخر در حمله‌ی به عراق عده‌ی زیادی کشته شدند، به شهادت رسیدند به وسیله‌ی آمریکا و امثال اینها. اینها فراوان اتفاق افتاده. پس ما وقتی که این راجع به این قضیه فکر میکنیم از بقیه‌ی حوادث مهمتی که در دنیا همواره وجود داشته نبایستی غفلت بکنیم که بدانیم که همین حالا هم میلیون‌ها انسان در زیر فشار ظلم و ستم دشمن و دشمنی‌های دشمنان قدرتمندان الان رنج میبرند؛ مردم در یمن در فلسطین و در بسیاری از نقاط دیگر جهان زیر فشار هستند. پس **مسئله‌ی کرونا ما را از**

همکاری جمعی از بانوان که همراه کرده با خود عده‌ای از بانوان را، خانه‌های خودشان را تبدیل کرده‌اند به حیاط‌خانه، که در این حیاط‌خانه‌ها ماسک تولید میکنند و مجانی در اختیار مردم میگذارند؛ یا در نه‌اوند گروهی از بانوان که در زمان دفاع مقدس نان میپختند و برای جبهه میفرستادند، اینها فعال شدند برای مهار بیماری و کمک میکنند؛ در خوزستان، طلب قرارگاه تشکیل داده‌اند و حتی داخل خانه‌های مردم را هم ضد عفونی میکنند؛ در شیراز معتمدین محلی با صاحبان املاک — صاحبان خانه‌ها و مغازه‌ها — صحبت میکنند که اجازه نگیرند، یا تخفیف بدهند، یا مهلت بدهند و کمک بشود به کاسب؛ در تبریز، رئیس حوزه‌ی علمیه خودش وارد شده و به شکل میدانی مشغول فعالیت است؛ در یکی از شهرها نماینده‌ی نامزد حزب‌اللهی‌ای که در انتخابات رأی نیاورده ستاد خودش را تعطیل نکرده و نگه داشته و فعالان را در خدمت حرکت جهادی و مبارزه‌ی با کرونا سازمان‌دهی کرده. اینها البته گزارشهای محدودی است که بنده حالا علی‌العجاله در اختیار داشتم ولیکن صدها مورد شبیه این بلکه هزارها مورد شبیه این در سرتاسر کشور به شکلهای گوناگون وجود دارد که من به بعضی از اینها هم قبلاً در صحبت قبلی اشاره کردم. اینها این مهم است که توجه کنیم اینها نشانه‌ی عمق فرهنگ اسلامی و رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما است در دل مردم ما است. بر خلاف خواسته ادعای کسانی که در این یکی دو دهه‌ی اخیر بخصوص متأسفانه بعضی‌ها تلاش کردند که فرهنگ ایرانی را تحقیر کنند — فرهنگ اسلامی ایرانی را تحقیر کنند — برای اینکه مردم را متوجه فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی بکنند، بر خلاف خواسته‌ی آنها نه، خوشبختانه این احساس در احساس تفکر اسلامی و فرهنگ اسلامی و زنجیره‌ی ارزشهای اسلامی در مردم بسیار احساس قوی و راسخی است.

خب، متقابلاً فرهنگ و تمدن غربی هم محصول خودش را نشان داد، آنچه که در غرب در کشورهای غربی، در اروپا و آمریکا اتفاق افتاد که خب بعضی از آنها را تلویزیون ما گفت لکن بعضی از آنها را هم در تلویزیون گفته نمیشود؛ اطلاعاتی است که به ما میرسد و ما میدانیم. نشان دادند محصول تربیت خود را؛ غرب نشان داد. اینکه یک دولتی ماسک متعلق به یک دولت دیگر را، دستکش متعلق به یک دولت دیگر را، سر راه مصادره کند و به طرف خودش ببرد — که این اتفاق در مورد چند دولت در اروپا و در آمریکا اتفاق افتاد — یا مردم، هر روز در ظرف مدت کوتاهی، در ظرف یک ساعت یا دو ساعت، فروشگاه‌ها را تخلیه کنند، حرص بزنند برای خرید بیشتر که برونند یخچالها و فریزرهای خانه‌ی خودشان را پر کنند و دکانه‌ها خالی بشود — که نشان دادند قفسه‌های خالی را، توی تلویزیون‌ها به دنیا نشان دادند؛ تلویزیون ما هم نقل کرد از آنها؛ یا کسانی برای چند دستمال توالیت به جان هم بیفتند، یا کسانی برای خرید اسلحه صف بکشند؛ نشان داد که مردم صف کشیده‌اند برونند اسلحه بخرند، چون احساس خطر میکنند در این ایام که باید اسلحه داشته باشند؛ یا اولویت برای بیمارها قائل بشوند؛ بیمار پیر را معالجه نکنند؛ میگوید بیمار پیر و از کار افتاده و دچار مشکلات اساسی اینها لزومی ندارد ما زحمت بکشیم با این محدودیت، اینها را معالجه کنیم؛ این چیزهایی است که در آنجا اتفاق افتاده؛ بعضی‌های خودکشی کرده‌اند از ترس کرونا، از ترس مرگ خودکشی کردند؛ اینها رفتارهایی است که برخی از ملت‌های غربی از خودشان نشان دادند. این البته نتیجه‌ی منطقی و طبیعی فلسفه‌ی حاکم بر تمدن غربی است: فلسفه‌ی فردگرایی، فلسفه‌ی مادی‌گری، فلسفه‌های غالباً بی‌خدایی؛ که اگر اعتقادی هم به خدا هست آن اعتقاد توحیدی صحیح عمیق معرفت‌زا نیست. این هم این مسئله است.

وقتی که میگوییم در غرب یک روح وحشیگری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن زده و کراوات بسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجب میکنند و انکار میکنند، این را حالا خودشان میگویند

«سفره هفت سین»

هفت سین مهم‌ترین عنصر نوروز است و هر ساله ایرانیان در تکاپوی چیدن سفره هفت سین به خرید می‌روند و ملزوماتش را فراهم می‌آورند و جهت هرچه زیباتر شدن این سفره نوسالزیک می‌کوشند. اما هر کاری را فلسفه‌ای است و چیدمان سفره هفت سین نیز فلسفه خاص خود را دارد. هر چیزی که سر سفره چیده می‌شود، از هر «سین» گرفته تا قرآن و ماهی و آینه حکمتی دارد. در اینجا با دلایل چیدمان جزء جزء سفره هفت سین آشنا می‌شویم:

سین اول سنجد:

«سنجد» را به این نیت در سفره هفت سین می‌گذارند که هر کسی با خویشتن عهد کند، با آغاز سال جدید هر کاری را سنجیده انجام دهد؛ چرا که سنجد نماد سنجیده عمل کردن و نشانه گرایش به عقل است.

«سنجد» نماد **فرزادگی و زایش**، میوه‌ای است که وقتی بارور می‌شود و بویش در فضا پراکنده می‌شود، پرورش دهنده قوای احساسی آدمی نیز هست. به همین دلیل برخی بر این باورند که سنجدی که سر سفره هفت سین گذاشته می‌شود، نماد عشق انسان‌ها به یکدیگر نیز است.

سین دوم سیب:

سیب، نماد سلامتی و زیبایی است و سیبی که سر سفره می‌گذارند، نشان از دوری از گزند و آسیب دارد. رسم است که سیب را مادر یا پدر بزرگ خانواده سر سفره بگذارند؛ به این دلیل که همیشه بزرگ‌ترهای یک خانواده نگران سلامتی اعضای خانواده شان هستند.

سین سوم سبزه:

سبزه نشان از تولد دوباره، حیات دوباره و زایش و سبزی است. سر سفره گذاشتنش به این دلیل است که سال آینده سالی شاداب، سرسبز و خرم باشد. خود رنگ سبزه هم ارتعاش افکار ما را موزون نگه می‌دارد و به ما آرامش می‌دهد.

سین چهارم سمنو:

سمنو نماد قدرت و سمبل خیر و برکت است. از آنجا که سمنو غذایی مقوی است که از گندم تهیه می‌شود و به آن غذای مرد آفرین می‌گویند و سرشار از ویتامین و مواد مغذی است؛ آن را به عنوان نماینده ای از صبر، عدالت، مقاومت و قدرت بر سفره می‌گذارند.

سین پنجم سیر:

سیر گیاهی دارویی است و به عنوان ماده‌ای گندزدا به کار می‌رود و به دو دلیل سر سفره هفت سین گذاشته می‌شود، اول؛ نشان از تندرستی و میکروب زدایی دارد و دوم؛ برای رعایت حدود و مرزها سر سفره گذاشته می‌شود. سیر نماد مناعت طبع شناخته می‌شود؛ یعنی انسان همواره باید مناعت طبع پیشه کند. سیر نشانه قناعت و یادآوری سیر چشمی است.

سین ششم سرکه:

سرکه، نماد تسلیم و رضاست. از سرکه در ادبیات و تمثیل ایرانی در توصیف اضطراب و اشک و گریه استفاده می‌شود و مولانا از گریه و آزار با عنوان سرکه فشان می‌کند. سرکه سر سفره نوروزی ما را به پذیرش ناملایمات زندگی دعوت می‌کند.

سین هفتم سماق:

سماق که رنگ طلوع آفتاب است؛ سمبل صبر و بردباری است و مظهر طلوع و آغاز دوباره معنی می‌شود.

سایر وسایل سفره عیدانه:

سکه: سکه سین مدرن سفره هفت سین است و جزو هفت سین به حساب نمی‌آید؛ بعدها به سفره اضافه شده است تا نمادی برای افزایش دارایی باشد.

قرآن کریم: قرآن را به نشانه توکل و توسل به خدای متعال بر سفره قرار می‌دهند و درخواست بهترین‌ها را از خالق خویش دارند.

آینه: آینه نماد روشنایی است و حتماً باید بالای سفره جای گیرد.

ماهی: نماد زایش، تازگی، شادابی و تکاپو است.

شمع: مظهر فروغ و روشنایی است.

توطئه‌ی دشمنها غافل نکند، از توطئه‌ی استکبار غافل نکند که دشمنی استکبار هم با اصل

نظام جمهوری اسلامی است.

اینکه کسی خیال کند که ما دشمنی نکنیم تا با ما دشمنی نکنند، این نیست؛ اصل نظام جمهوری اسلامی، اصل مردم‌سالاری اسلامی است؛ از نظر آنها قابل قبول نیست، قابل فهم نیست و قابل تحمل نیست؛ این هم یک نکته.

ما عرض میکنیم که مسئولان در ستاد ملی مشغولند، به طور جدی مشغول کارند و گزارش‌هایش به ما داده میشود، اطلاع پیدا میکنیم. و برای برخی از قشرهای ضعیف هم فکری کرده‌اند که من توصیه میکنم، تأکید میکنم که این برنامه‌هایی که مسئولین دولتی برای برخی از قشرهای ضعیف در نظر گرفته‌اند، اینها را هر چه سریع‌تر، هر چه بیشتر، هر چه بهتر ان‌شاءالله به اجرا در بیاورند؛ لکن در کنار این، مردم هم وظیفه دارند. عده‌ای هستند که در این شرایط و در این اوضاع حقیقتاً زندگی‌شان بسختی قابل گذران است و نمیتوانند زندگی معمولی عادی خودشان را اداره کنند؛ مردمی که دستشان باز است و توانایی دارند بایستی در این زمینه فعالیت وسیعی را شروع کنند؛ در دعای شریف «شَجْرَةُ النَّيْوَةِ» میخوانیم که «وَأَرْقُنِي مُوَاَسَاةً مِّنْ قَدَرْتِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ ... وَأَحْيِيَنِّي تَحْتَ ظِلِّكَ؛ یعنی این یکی از کارهای لازمی است که بایستی انجام بگیرد؛ بخصوص که ماه رمضان در پیش است. ماه رمضان ماه انفاق است، ماه ایثار است، ماه کمک به مستمندان است. چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا؛ که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را در ذهنها از امسال خواهد گذاشت. ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم. که عرض کردیم جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط است، عدل است و جامعه‌ی عزت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات. اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم؛ به قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک میکند.

نکته‌ی آخری که عرض میکنم این است که در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان — که این جلسات عمومی جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسل، بسیار معتنم بود که امسال علی‌القاعده محرومیم از این جلسات — در غیاب این جلسات از عبادت و تضرع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما میتوانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در خانواده‌ی خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، میتوانیم همین معنا را، همین توجه را، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البته خوب در برنامه‌های تلویزیون مواردی هم پخش میشود که از آن هم میشود استفاده کرد. و بایستی این کار را انجام بدهیم.

یک توصیه هم به مسئولین عرض میکنم؛ هم مسئولین و هم فعالان جوان در عرصه‌ی علم و فناوری؛ که دو چیز فراموش نشود: یکی مسئله‌ی جهش تولید است، که این حیاتی است برای کشور؛ ما بایستی به هر قیمتی هست مسئله‌ی تولید را دنبال کنیم و به معنای واقعی کلمه جهش برای تولید به وجود بیاوریم؛ یکی هم مسئله‌ی ساخت و ساز و کار آزمایشگاهی و تولید نیازهای فراوانی است که جوانها در بخشهای آزمایشگاهی این را ان‌شاءالله دنبال میکنند. از خداوند متعال سعادت ملت ایران را مسئلت میکنیم. خداوند روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند، ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز را با پیغمبر محشور کند و ان‌شاءالله آنچه را که آرزوهای بزرگ ملت ایران است تحقق ببخشد و فرج ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را ان‌شاءالله نزدیک کند.

«والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته»





سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۵۸ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
۳۳ روایات آیه

ہفت سین قرآنی

«هفت سین قرآنی»

با توجه به قرار گرفتن ایام ولادت حضرت صاحب الزمان (عج) در ایام عید نوروز برای عزیزان کانون فرهنگی دانشجویی مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب تصویر هفت سین قرآنی طراحی و تقدیم حضراتان گردید .

این هفت سین مزین گردیده است به هفت سلام قرآنی که امید است بهره معنوی لازم را از آن ببرید . و اما بعد

۱. سلام قولاً من ربِّ رحیم. (سوره یس آیه ۵۸)

«از جانب پروردگار ای مهربان آیه آنان سلام گفته می شود.»

این ندای روح افزا و نشاط بخش و مملو از مهر و محبت خدا ، چنان روح انسان را در خود غرق می کند و به او لذت ، شادی و معنویت می بخشد ، که با هیچ نعمتی برابر نیست ، آری شنیدن ندای محبوب ، ندایی آمیخته با محبت و آکنده از لطف ، سرتا پای بهشتیان را غرق سرور می کند ، که یک لحظه آن بر تمام دنیا و آنچه در آن است برتری دارد .

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده : " در همان حال که بهشتیان غرق در نعمتهای بهشتی هستند نوری بر بالای سرایشان آشکار می شود ؛ نور لطف خداوند که بر آنها پرتو افکنده است .

پس ندایی بر می خیزد که "سلام بر شما ای بهشتیان" ، نظر لطف خداوند چنان بهشتیان را مجذوب می کند که از همه چیز جز او غافل می شوند ، و همه نعمتهای بهشتی را در آن حال به دست فراموشی می سپارند .

۲. سلام علی نوح فی العالمین. (سوره صافات آیه ۷۹)

«درود بر نوح در میان جهانیان»

چه افتخاری از این برتر و بالاتر که خداوند بر حضرت نوح (ع) ، سلام می فرستد ، سلامی که در میان جهان و جهانیان باقی می ماند و تا دامنه قیامت گسترده می شود ، سلام خدا توأم با ثناء جمیل و ذکر خیر بندگانش در قرآن کریم ؛ کمتر سلامی به این گستردگی و وسعت درباره کسی دیده می شود ، به خصوص اینکه لفظ "العالمین" معنی وسیعی دارد که نه تنها همه انسانها ، بلکه عوالم فرشتگان و ملکوتیان را نیز در برمی گیرد .

۳. سلام علی ابراهیم . (سوره صافات آیه ۱۰۹)

«درود بر ابراهیم.»

در آیات پیش از این آیه ، به چگونگی بشارت دادن فرزندی بردبار و پارساقتلم بر حضرت ابراهیم ، و جریان دستور ذبح اسماعیل – فرزند ایشان – و تسلیم بودن هر دوی آنها بر این امر به میان آمده است ک پس از یادآوری این قضایا ، خداوند می فرماید: سلام بر ابراهیم «آن بنده مخلص و پاک باد.»

۴. سلام علی موسی و هارون . (سوره صافات آیه ۱۲۰)

«درود بر موسی و هارون.»

در آیات پیش از این آیه ، خداوند ضمن آباتی ، جریانات حضرت موسی و هارون را نقل می فرماید:

ما این دو برادر و قوم آنها را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم.(سوره صافات آیه ۱۱۵)

ما آنها را یاری کردیم تا آنها بر دشمنان نیرومند خود پیروز شدند.(سوره صافات آیه ۱۱۶)

ما به آن دو ، کتاب آشکار دادیم.(سوره صافات آیه ۱۱۷)

ما آن دو را به راه راست هدایت نمودیم.(سوره صافات آیه ۱۱۸)

ما ذکر و یاد خیر آنها را در اقوام بعد باقی و برقرار ساختیم.(سوره صافات آیه ۱۱۹)

و بعد از یادآوری موارد فوق خداوند بر آن دو سلام می رساند. سلامی از ناحیه پروردگار بزرگ و مهربان. سلامی که رمز سلامت در دین و ایمان در اعتقاد و مکتب، و در خط و مذهب است. سلامی که بیانگر نجات و امنیت از مجازات و عذاب این جهان و آن جهان است.

۵. سلام علی ال یاسین.(سوره صافات آیه ۱۳۰)

«درود بر پیروان الیاس»

خدا می فرماید:مانام نیک الیاس را در میان امتهای بعد جاودان کردیم.(سوره صافات آیه ۱۲۹)
امتهای دیگر ، زحمات این انبیاء بزرگ (الیاس و سلانه ی او) را که در پاسداری خط توحید، و آبیاری بذر ایمان منتهای تلاش و کوشش را به عمل آوردند ، هرگز فراموش نخواهند کرد، و تا دنیا برقرار است یاد و مکتب این بزرگ مردان فداکار زنده و جاویدان است .

تعبیر به «ال یاسین» به جای «الیاس» یا به خاطر این است که ال یاسین لغتی در واژه "الیاس" بوده و هر دو به یک معنی است ، و یا اشاره به الیاس و پیروان او است که به صورت جمعی آمده است .

۶. سلام علیکم طیبم فادخلوها خالدین.(سوره زمر آیه ۷۳)

«سلام بر شما ، خوش آمدید ، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]»

در این آیه ، خداوند می فرماید که بهشتیان وقتی به بهشت می رسند ، در حالی که درهای آن گشوده شده است ، در این هنگام نگهبانان بهشت ، آن ملائک رحمت به آنها می گویند :

سلام بر شما ، گوارا باد این نعمتها بر شما ، داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.

۷. سلام هی حتی مطلع الفجر. (سوره قدر آیه ۵)

{آن شب} تا دم صبح ، صلح و سلام است.

این آیه ، در توصیف شب قدر است . آن شبی است که قرآن در آن نازل شده و عبادت و احیاء آن معادل هزار ماه است ، خیرات و برکات الهی در آن شب نازل می شود و رحمت خاص الهی شامل بندگان می گردد و فرشتگان و روح در آن شب نازل می گردند.

«چیستی مهدویت و مهدویت در ادیان مختلف»

نویسنده : آرین نوروزی راسفند ، عضو کانون فرهنگی ، دانشجویی مهدویت و

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته مدیریت دولتی

چیستی مهدویت

«مهدویت» در لغت، واژه ای عربی است که معنی آن مربوط بودن به مهدی است اما در اصل معنی آن یعنی «راه و طریق مهدی».

این واژه در بین شیعیان به فرزند امام یازدهم، حسن عسکری (ع) یعنی حجت بن الحسن اختصاص دارد. و ایشان در واقع کسی هستند که پیامبر(ص) وعده آمدنشان را داده بود و در پایان تاریخ، نجات بخش بشریت خواهد بود.

حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگیان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.

اما از آنجا که نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی(عج) است، این اندیشه را ، اندیشه مهدویت نامیده اند هر چند سایر ادیان به آن اندیشه موعودگرایی و ... می گویند. به هر حال، مهدویت، یک اندیشه و تفکر برگرفته از کتابهای آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت موافق است. نیاز به حضور یک مرد آسمانی که با کمک او بتوان حق را اجرا کرد، عدالت را برقرار نمود و در راه کمال گام برداشت یکی از نیازهای فطری و حقیقی انسان است. خداوند نیز به این نیاز پاسخ مثبت داده است و انبیاء و اوصیا را برای هدایت و راهبری مردم برگزید و وعده داده است که سرانجام حجت من بر زمین مسلط خواهد شد و با اجرای دین و برقراری عدالت، نیاز شما بر آورده می شود. در ادیان آسمانی بر اساس نیاز مردم و عنایت خدا سخن از منجی مطرح شده است. اگر بین منجی و قیامت رابطه ای گفته شده است فقط به این دلیل است که بگویند حتماً او خواهد آمد و بعد از ظهور او، هر زمان که خداوند اراده کرد قیامت برپا خواهد شد.

بسیاری از آیات قرآن مرتبط با مهدویت دانسته شده است. مانند آیه ۱۰۵ سوره انبیاء «وَ لَقَدْ كُنَّا فِي الْبُؤْسِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» «و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند». مفسرین تحقق وعده مذکور در آیه فوق را زمان ظهور امام عصر دانسته اند. همچنین آیه ۵ سوره قصص «وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» «ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم» برخی تفاسیر این آیه را مرتبط با صاحب الزمان(عج) دانسته و برخی دیگر آن را مرتبط با رجعت ائمه و بازگشت حکومت به ایشان دانسته اند. آیه ۵۵ سوره نور «وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نیز مرتبط با مباحث مهدوی دانسته شده است. برخی تحقق وعده مذکور در آیه را در زمان ظهور امام زمان(عج) دانسته اند و برخی جامعه مورد اشاره در آیه را تنها در وقت ظهور امام زمان(عج) قابل تحقق دانسته اند.

موضوع پژوهش برخی از شرق شناسان مسأله مهدویت بوده است و دیدگاههای متفاوتی در این زمینه دارند. هنری کرین با نگاه پدیدارشناسانه مهدویت را از محوری ترین عناصر اعتقادی عرفان و حکمت شیعی تلقی می کند از نظر وی مهدویت به معنای تفسیر باطن دین و ظهور امام احیای دوباره حیات انسانها است. از نگاه او با ظهور همه مبانی پنهان یا معنوی وحی الهی آشکار می شود. دارمستتر، نویسنده فرانسوی با نگاهی تاریخی معتقد است که

مهدویت یا موعود گرایی در ادیان مختلف

مهدویت در شیعه

اعتقاد به منجی و موعود مسئله ای است که در تمام ادیان ومذاهب مختلف جهان مطرح بوده و هست؛ بدین معنی که در آخرالزمان، مصلحی ظهور خواهد کرد و به جنایت ها و خیانت ها و تبعیض های بشر خاتمه خواهد داد.

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب این ادیان موج می زند. یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی «مسیحا» و یا «سوشیانت» خواهد آمد.

در آیین های هند و زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام این باور وجود دارد که در آینده جهان فرد صالحی ظهور خواهد نمود، و در جهت زودن ستم و نجات بشر قدم بر می دارد و در این راه موفق خواهد شد. همه این ها در هدف کلی، یعنی هدایت و ارشاد و نجات بشر از نادانی و گمراهی وحدت نظر دارند. حال ممکن است در امور و اهداف جزئی و برخی از ویژگی ها دیدگاه های متفاوتی داشته باشند.

همه پیروان ادیان الهی و برخی از پیروان ادیان غیر الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور می کند و اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می دهد. در این که مصلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی هایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.

هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی هایی می شناختند و او را از خودشان می دانند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می دانند. یهودیان او را از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می خوانند. در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود، به نام "آواتا" سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوبانیاشادها مطرح شده است. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد، همه را به دست می آورد. از آسمان ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.

مهدویت در مذهب شیعه دوازده امامی

شیعیان دوازده امامی معتقدند بنابه وعده الهی فردی از نسل پیامبر اسلام و هم نام وی، نهمین فرزند از نسل حسین بن علی، با لقب «مهدی» ظهور می کند و زمین را سراسر عدل و داد می کند.

بنابه این اعتقاد، مهدی فرزند امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعه) در سال ۲۵۵-۲۵۶ (قمری) به دنیا آمده است و پس از دوره ای به نام غیبت صغری که به وسیله نائبان (جانشینان) خاص او با مردم بخصوص شیعیان در ارتباط بوده، غیبت طولانی (غیبت کبری) شروع شد که تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت. در این دوران کسی وی را به اختیار خود نمی تواند ببیند.

برخی از علمای متاخر شیعه مهدویت را زیر سؤال بردند؛ مانند: سید ابوالفضل برقی قمی، حیدرعلی قلمداران، شریعت سنگلجی.

از علمای حاضر که بر روی مهدویت کار کرده اند می توان لطف الله صافی گلپایگانی را نام برد. دو اثر مهم وی در این زمینه منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر و مجموعه کتب امامت و مهدویت می باشد.

اعتقاد به مهدویت در آیین بودایی

در آیین بودایی یکی از شاخه های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می باشد. در آیین زرتشت سه منجی به نام های هوشیدر، هوشیدر ما و سوشیانس (نجات دهنده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. آنان جهان را بر از عدل خواهند کرد. که پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن می کند و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.

اعتقاد به مهدویت در آیین یهود

در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است. گر چه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. به باور یهودیان موعودشان هنوز ظهور نکرده است. آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخصی در آخر زمان است که کوکب افروز می باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند. . . . یهودیان به انتظار او زمان می گذارند.

اعتقاد به مهدویت در آیین مسیحیت

مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را بر از عدل خواهد کرد.

مهدویت در قرآن نیامده است و در سخنان پیامبر نیز نشانه های روشنی در این زمینه وجود ندارد. وی مهدویت را زائیده اندیشه فکری شیعه و متأثر از اساطیر ایرانی می داند.

ایگناتس گلدتسیهر خاورشناس مجارستانی با نگاهی تاریخی معتقد است که اعتقاد به مهدویت ریشه در عناصر فکری یهودی و مسیحی بازگشت دارد و در آن پاره ای از ویژگی میث سوشیانس که مورد استفاده زرتشتیان است دیده می شود. دیوید سامویل مارگولیوت معتقد است که مهدویت از زمان محمد بن عبدالله توسط مختار بن عبیدالله و توسط عده ای از طرفداران محمد بن حنفیه فرقه کیسانیه - به وجود آمده که پس از کشته شدن او عنوان مهدی راه به او اطلاق کرده اند.

باور به مهدویت ، نتایج و تأثیرات

امیدواری به آینده ای روشن ، از جمله آثاری که برای باور به مهدویت بیان شده، امیدواری به آینده ای روشن است. در توضیح این تأثیر آمده است، انسان ها به دنبال تحقق ارزش ها هستند؛ امّا غالب آنان خود را در این راه شکست خورده می بینند. در این میان، باور به مهدویت و مهدی موعود، روحیه امیدواری به آینده ای روشن را در انسان زنده می کند. باور به مهدویت به انسان سرخورده امید می بخشد و می گوید روزی مردی الهی آنچه را آرزوی توست، برآورده می کند. این امیدواری ممکن است در بُعد ذهنی یعنی مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه ها، عادات، خوی های مثبت و در بُعد عینی یعنی مجموعه اعمال، رفتارها، کنش ها و واکنش ها باشد.

بسیج اراده های عمومی و ایجاد نوعی انتظار فعال

دیگر نتیجه ای که برای باور به مهدویت برشمرده اند این است که اعتقاد به مهدی و انتظار موعود، فرد [و جامعه] را به این اعتقاد می رساند که به واقعیت های موجود اکتفا نکند و به واقعیتی متعالی ایمان داشته باشد و برای رسیدن به این واقعیت متعالی و آینده روشن، در تکاپو باشد و به جستجوی ابزار تحقق این فرجام بپردازد. اندیشه مهدویت با بشارت پیروزی صالحان و پرهیزکاران در آینده و ظهور امام حاضر، انگیزه درونی مضاعفی برای تلاش و استقامت به انسان می بخشد.

غایت مندی و معناداری زندگی

یکی دیگر از نتایج باور به مهدیت را غایت مندی و معناداری زندگی ذکر کرده اند. در این نظر آمده است یکی از عناصر فرجام شناسانه در ادیان، موعودباوری است. موعودگرایی نهایی برای حرکت جوامع ترسیم می کند و این نهایت در باور شیعه، تجلی والاترین و برترین نمونه عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی و خردورزی است. اندیشه مهدویت می تواند به انسان پیامد برای رسیدن به «جامعه آرمانی به محوریت امام مهدی(عج)» همواره باید به این کانون فکر کرد و فعالیت های خود را بدان سو معطوف ساخت.

برخی محققان زندگی معنادار را زندگی غایت مند و هدف دار تعریف کرده اند. در این نگاه معنای زندگی در امید داشتن برای دستیابی به هدف نهایی آن است. از سوی دیگر انتظار یا همان باور به مهدویت، به معنای داشتن هدف و امیدوار بودن برای رسیدن به هدف است. پس انتظار به زندگی انسان معنا می دهد. شواهدی تاریخی برای این ادعا وجود دارد. یکی از این شواهد، قیام هایی با ایده مهدویت است، قیام های چون قیام مختار، قیام نفس زکیه، قیام سرداران، انقلاب اسلامی ایران.

الگوگیری برای پیشرفت جامعه

در دیگر آثاری که برای باور به مهدی و اعتقاد به حکومت جهانی آن حضرت ذکر شده آمده است حکومت جهانی مهدی موعود(عج)، فقط پیش بینی و الگوسازی برای آینده نیست، بلکه مدل و الگوی زندگی امروزمین نیز است. این ایده، هم نظر به حال دارد و هم نظر به آینده. می توانیم از الگوهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اقتصادی آن برای رفع کاستی های و نابسامانی های اخلاقی و معنوی استفاده کنیم و در تربیت افراد جامعه از آن بهره بگیریم. با مراجعه به آیات و روایات به روشنی می توان به این الگوگیری دست یافت.

با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی در ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور حضرت مهدی(عج) در ادیان الهی، پیش از تحریف شان هم وجود داشته، اما مصلح تمام ادیان الهی، مهدی موعود است و مقصود دین شان همین است، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته اند و با توجه به آن چه بیان شد تا حدودی هدف های آیین های مذکور از مهدویت نیز روشن می شود. مباحث مهدویت از جمله موضوعاتی است که نقش کلیدی در زندگی بشردار دوازده ای مختلف حیات انسان ارتباط مستقیم دارد. بنابراین با وجود تلاش های انجام شده، هنوز این موضوع نگفته های فراوان دارد و بجاست که عالمان و محققان در این عرصه تلاشی دو چندان انجام دهند.

شیعیان معتقدند که صلح جهانی امام زمان (عج) است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. امام زمان (عج) همان مهدی (ع) است که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است. اعتقاد به مهدویت از معارف قطعی تمامی مذاهب اسلامی است. ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می گوید: "میان همه فرقه های مسلمان اتفاق قطعی است که عمر دنیا به پایان نمی رسد، مگر پس از ظهور مهدی (عج)".

امید است که خداوند متعال ما را مورد مرحمت خویش قرار داده و زین پس همراه با انتشار هر شماره، مطلبی مهدوی را باهم مورد بررسی قرار دهیم تا در راه شناساندن و شناختن حضرت مهدی (ع) و همچنین گام برداشتن جامعه به سمت مهدویت و چه بسا همان پاکی و نیکی خالص نقشی داشته باشیم. «نویسنده»

«داستان کوتاه»

امروز فقط یک کلاس داشتم زمانش که تمام شد چادرم رو روی سرم مرتب کردم و وسایل رو از روی صندلی دانشجویی جمع کردم بچه ها یکی یکی می رفتن و خداحافظی می کردند دیدم گوشه کلاس مریم با چند نفر دیگه از بچه ها در مورد مطلبی در حال گفتگو هستند آرام جلو رفتم و خودم رو در جمع اون ها جا دادم، همه از حضور من استقبال کردند، با بچه ها حال و احوال پرسیدم، حالا من یکی از همون ها بودم و داشتم به مطالب مریم گوش می دادم، می گفت بچه هایی که خونه شون همین دور و اطراف هست و می توانند در برنامه های اجتماعی شرکت کنند اعلام آمادگی کنند، گفتم مریم جان ببخشید من از اول ماجرا نبودم موضوع رو توضیح میدی و اون هم با کمال میل ادامه داد که توی محل یه گروهی از عاشقان حضرت صاحب الزمان (عج) دور هم جمع شدند، خانم و آقا، و قرار هست برای مناسبت های مختلف برنامه های گوناگونی رو اجراء کنند و خانم ها مسئول طراحی و اجرای ایده هستند و آقایون هم مسئول خرید و پذیرایی، توی پوست خودم نمی گنجیدم، خیلی وقت بود دنبال یه همچین جمعی می گفتم، جمعی که باهاشون بشه قدمی برای آقا امام زمان (عج) برداشت، با آغوش باز پذیرفتم و از مریم خواستم که من رو هم به این مجموعه معرفی کنه. چند روزی گذشت و خبری از مریم نبود تا اینکه روز سوم مریم باهم تماس گرفت، سلام ندا جان خوبی، ابتدا به ساکن شهادت حاج قاسم رو بهت تسلیت می کم. حالم خراب شد و زدم زیر گریه آخه من سردار رو خیلی دوست داشتم دیدم مریم همونو با من داره گریه می کنه، اون پیش دستی کرد و در حالی که داشت صلوات می فرستاد گفت ندا جان صلوات بفرست دلت آرام بشه، اللهم صل علی محمد و آل محمد، واقعا دلم

آروم شد، جانم مریم بگو در خدمتم، ندا جان چند روز دیگه سالگرد شهادت حاج قاسم و بچه ها در نظر دارند تا یه مراسم برای ایشون بگیرن و ایستگاه صلواتی یا یه قول عراقی های موبک بر پا کنند، می تونی بیای؟ و بعد اضافه کرد که من روی تو حساب باز کردم و نمی تونم و نمی شه رو نمی پذیرم و من هم با کمال میل جواب مثبت دادم داشتم گوش می قطع می کردم که مریم گفت ندا جان قبل از اینکه قطع کنی اگر کسی رو هم می شناسی برای اینکه گوشه ای از کار رو بگیره می تونی با خودت بیاری، راستی قرارمون ساعت ۱۰ صبح خیابون سیف سر کوچه شکوفا، با گفتن باشه خدانگهدار، گوش می قطع کردم، ساعت ۱۰ بود و من سر کوچه شکوفا منتظر مریم بودم، آدم خوشی قولی بود ساعت ۱۰ نگاه کردم درست ۱۰ بود بالای خیابون رو دیدم که داره با عجله به سمت من می آید با دست اشاره کردم که عجله نکنه، سلام ندا جان سلام مریم خانم عزیزم بریم؟ بریم، دو تائی به سمت مسجد جامع محل حرکت کردیم وای که من چقدر این مسجد رو دوست دارم، طراحی خاصش، گنبدهای منحصر به خودش، گلدسته و سر درش با طراحی زیبا، به مسجد به تمام معنا خاص، وارد مسجد شدیم به سمت کتابخانه رفتم در که باز شد یک جمع صمیمی و با صفا دور هم جمع شده بودند، اون هول و ولایی که داشتم بر طرف شد مریم من رو به یکی یکی بچه ها معرفی کرد، بچه ها این ندا خانم دوست عزیز و هم دانشگاهی منه و شروع کرد به معرفی، آرزیتا جان، حمیده، آیدا، فاطمه، الهه و... خدایا چقدر اینا خوبن.

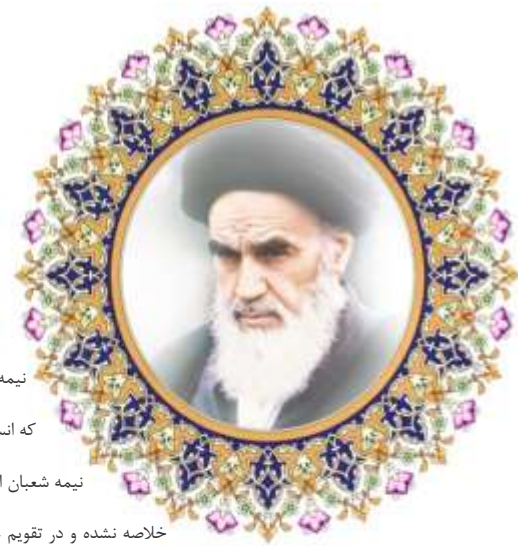
حلقه تشکیل دادن و نشستیم برای اینکه به قول معروف یخ من باز بشه شروع کردن به سر به سر گذاشتن با من. یکی می گفت بیچاره شدی دیگه نمی تونی از ما جدا بشی چون ما خیلی خوبیم و همه می خندیدند، اون یکی می گفت ندا جان شنیدم طراحی مراسمات خاص کشوری رو با شما هماهنگ می کنند و می خندیدند و... چند لحظه ایی به گفت و گوهای این چنین گذشت، فاطمه خانم رو به جمع کرد و گفت عزیزان یخ ندا باز شد بریم سر طراحی، هر کدام از بچه ها ایده ای که از نظرش خیلی خوب بود رو مطرح کرد، اینکه برنامه با چه طرحی باید اجرا بشه یا اینکه نحوه پذیرایی چطور باشه، طرح های هدایا و تولید محتوا برای شبکه های مجازی و مخاطبان برنامه که چند نفر این مسئولیت رو به عهده گرفتن. به یک طرح کلی رسیدیم. به مخاطبامون یک هدیه زیبا بدیم، آرزیتا خانم گفت از قطعه های کوچک چوب برای قسمت اصلی و زیره کار استفاده کنیم، آیدا پیشنهاد داد کنارش شمع هم بچسبونیم قشنگ تر میشه حمیده گفت کنار این قطعه

چوبی که روش یک شمع به صورت خوابیده چسبیده، گل هم بگذاریم چه تلفیق قشنگی شد. چوب قهوه ای تیره، شمع مشکی و گل رز سرخ رنگ، تو حال و هوای خودم بودم که دیدم همگی سکوت کردند و دارن به من نگاه می کنند، فاطمه خانم گل ندا جان ایده ایی نداری برای تکمیل این طرح؟ گفتم چرا روی این طرح روبان بچسبونیم سرخ یا مشکی و همه با روبان مشکی موافقت کردند چه طرح قشنگی شده بود، لیست خرید کم کم داشت آماده می شد تا به دست آقایون برسه برای کارهای خرید و بقیه موارد. یواشکی از مریم پرسیدم هزینه این خرید رو از کجا می یارید؟ و مریم در جواب بهم گفت این لیست رو می دیم به همسر الهه خانم و ایشون از مبالغی که در مناسبت های مختلف مردم به صورت کمک های مردمی به برای همین مناسبت های به ایشون میدن به اضافه مبالغی که خود بچه ها به صورت نذر کنار میذارن، خریداری می شه. ان شاءالله فردا موارد ذکر شده در لیست توسط آقای رضائی همسر الهه خانم تهیه میشه و برای کارهای بعدی به بچه ها تحویل میدن. اذان مغرب پخش شد، گفتم مریم چقدر زمان زود گذشت انکار همین چند دقیقه پیش نماز ظهر و عصر و خوندم آیدا گفت دیدی گفتم بیچاره شدی و همه خندیدند و رقیتم برای اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء، با مریم تا سر کوچه همراه شدیم و برگشتیم. وقتی رسیدم خونه پیش خودم گفتم مگه میشه اینقدر انرژی مثبت یکجا باشه، اصلاً خسته نبودم و کلی انرژی داشتم، شام رو خورده و نخورده از سر سفره بلند شدم، بابا شبت بخیر من فردا باید برم مسجد محل برای برپائی موبک، مامان دستت درد نکنه بابت شام خوشمزه، شب بخیر، نمی دونم چرا سرم به بالش نرسیده خوابم برد، صدای اذان یکبار دیگه بهم خبر داد که زنده ای و باید یک روز دیگه رو از نو شروع کنی، سریع از خواب بیدار شدم نمازم رو خوندم، گفتم آماده بش که زودتر برم مسجد، از کار خودم خنده ام گرفته بود، کجا ندا ساعت ۵ صبح همه جا تاریکه تو با مریم ساعت ۸ صبح قرار داری، برگشتم توی رخت خواب اما اصلاً خوابم نبود، حالا سر قرار قبلی منتظر مریم ایستاده بودم که دیدم آرام داره می یاد دیگه عجله ای نداشت، به ساعت نگاه کردم ساعت ۷:۵۵ دقیقه بود به من که رسید سلام و احوال پرسیدم مریم و به سمت بازار گل ستاری راه افتادیم، آخه به این نتیجه رسیده بودیم که باید گل ها توسط خانم ها خریداری بشن. ندا جان دیروز چطور بود؟ و من با تمام انرژی گفتم عالی بود عالی. مریم لبخند زنان گفت ما اینجور آدمهایی هستیم هر کی بیاد پیش ما دیگه نمی تونه از ما جدا بشه، و من گفتم بدبخت شدم، و هر دو زدم زیر خنده، وارد بازار گل



شدیم ، آدم از این همه زیبایی و هنرمندی خدا سرمست میشه ، چه گل های زیبایی ، چه طراحی زیبایی ، رنگ ها چقدر زیبا کنار هم چیده شده ، و چقدر این طراحی زیباست ، واقعاً که خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد ، گل های مختلف رو می دیدیم و لذت می بردیم قرار بود گل رز بخریم ، اما چقدر تنوع این گل زیاد بود و ما فقط به خرید گل رز سرخ بسنده کردیم و گل ها رو خریداری کردیم ، گلفروش وقتی متوجه شد گل ها برای سالگرد حاج قاسم هست به نیت امام رضا(ع) (تعبیری که خود گل فروش داشت) ۸ تا دسته گل رز به ما به صورت رایگان داد و ما هم ازش خیلی تشکر کردیم ، گلها رو برداشتیم ماشین گرفتیم و یک راست به طرف مسجد راه افتادیم ، چهار ساعت خرید گل طول کشیده بود ، وقتی رسیدیم تقریباً همه بچه ها اومده بودن بعد از سلام و احوالپرسی، کار شروع شد ، هرکس یک گوشه کار رو گرفت و حرکت آغاز شد ، یک لحظه سرم رو بلند کردم دیدم بچه ها با تمام توانشون مشغول کار هستند (آره تلاش برای جمع کردن ثواب) برای اینکه از بچه ها عقب نمونم حواسم رو جمع کار کردم و مشغول شدم ، نمی دونم چقدر طول کشید که فاطمه خانم بلند گفت شادی دل نازنین حضرت زهرا(س) صلوات ، خانم ها بفرمایید ناهار . ناهار؟! چرا اینقدر زود می گذره لحظه های خدمت به خدا! اصلاً گذشت زمان رو حس نکرده بودم. ناهار رو خوردیم، نماز رو خوندم و یک استراحت کوتاه و دوباره کار تا تمام هدایا آماده شد حالا دیگه کار تموم شده بود و بسته های زیبای هدیه آماده برای پخش کردن ، ساعت رو نگاه کردم ساعت ۶ بعدازظهر بود ساعت ۷ هم باید توی ایستگاه کار توزیع بسته ها رو شروع می کردیم ، چقدر مرتب و منظم . هر کس وارد ایستگاه می شد دقیقاً می دونست باید چیکار کنه ، و من چون روز اولم بود به صورت مهمان و یا به تعبیر یکی از دوستان یار کمکی در ایستگاه ایستاده بودم چه شکوهی، آقایون با دود کردن اسپند به استقبال آدم هایی می رفتن که به ایستگاه مراجعه می کردن . خانم ها بسته های هدیه رو با احترام به مردم اهداء می کردن ، بعضی از آقایون به مردم ماسک و محلول ضد عفونی کننده هدیه می دادند، و چه باشکوه بود لبخندی که از روی رضایت بر روی لب های مردم می نشست و چقدر خالی بود، شادی روح پرفروش یار راستین حضرت صاحب الزمان(عج) ، سردار و امیر دلها ، سرباز وطن حاج قاسم سلیمانی

«صلوات»



«پای سبر»

نیمه شعبان در اذهان شیعیان و محبتان اهل بیت علیهم السلام، به عنوان روز میلاد نجات بخش موعود معنا و مفهوم می یابد. روز میلاد بزرگ مردی

که انسانیت، ظهور او را به انتظار نشست و عدالت برای پای بوس قدمش لحظه شماری می کند.

نیمه شعبان اگرچه شرافتش را وامدار مولود خجسته ای است که در این روز زمین را با قدوم خویش متبرک ساخته است، اما همه عظمت آن در این خلاصه

خلاصه نشده و در تقویم عبادی اهل ایمان نیز از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار است. در روایاتی که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده فضیلت های بسیاری برای عبادت و راز و نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان بر شمرده شده است و این خود تمثیل زیبایی است از این موضوع که برای رسیدن به صبح وصال موعود باید شب وصل با خدا را پشت سر گذاشت، و تا زمانی که منتظر، عمر خویش را در طریق کسب صلاح طی نکند نمی تواند شاهد ظهور مصلح موعود باشد.

با توجه به اهمیت فراوانی که روایات به شب نیمه شعبان داده شده و حتی آن را هم پایه شب قدر شمرده اند، در این مجال با تبریک سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) سه فراز از سخنان حضرت امام خمینی (ره) در باره این بزرگ تقدیم شما عزیزان می شود :

۱. سالروز مبارک ولادت با سعادت و پر برکت حضرت خاتم الاوصیا و مفخر الأولیاء حجت بن الحسن السکری (ارواحنا المقدمه الفداء) بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد. و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که بر پاککننده عدالتی است که بعثت انبیاء (علیهم السلام) برای آن بود. و چه مبارک است زاد روز بر مردی که جهان را از شر ستمگران و دغلبازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فرا گرفته پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازی ها و فتنه انگیزی ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حیلہ گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بیست زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ های ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیاء علیهم صلوات الله و حامیان اولیاء علیهم السلام بوده تحقق یابد. (صحیفه امام ؛ ج ۱۴ ؛ ص ۴۷۲)

۲. سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می شوند. (صحیفه امام ؛ ج ۲۱ ؛ ص ۳۲۵)

۳. این عید سعید پانزده شعبان را به همه مسلمین و به همه ملت ایران تبریک عرض می کنم. ماه شعبان ماه بزرگی است که در آن، در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی موعود (ارواحنا الفداء) پا به عرصه وجود گذاشت. مهدی موعود (عج) تنها منجی حقیقی بشریت و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می فهماند. من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود (سلام الله علیه) که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی (صلی الله علیه و آله و سلم) که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقی اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافاتی و کجی هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود (سلام الله علیه) که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد، و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیاء آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. میلاد مهدی موعود (عج) بزرگترین عید برای بشریت است که این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است، و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیاء به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی، و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب (ارواحنا الفداء) بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین. اگر عید ولادت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگترین عید است برای مسلمین از باب اینکه موفق به توسعه آن چیزهایی که می خواست توسعه بدهد نشد، چون حضرت صاحب (سلام الله علیه) این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی، باید ما بگوییم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی (سلام الله علیه) بزرگترین عید است برای تمام بشر. وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند : *يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جُورًا* همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانی باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی *يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جُورًا* الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاق ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعا صدق بکنند *يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جُورًا*. از این جهت، این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می دارند به همان معنای مطلقش. از این جهت، این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است. لزوم آمادگی برای فرج مهدی موعود (عج) و ما باید در اینطور روزها و در اینطور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ بزرگتر از این است. نمی توانم بگوییم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آبی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الآن به کار گرفته شده اند در کشور ما - و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند - باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی (سلام الله علیه). صحیفه امام خمینی (س) (جلد ۱۲ صفحه ۴۸۰-۴۸۳)

«نوروز»

نوروز آغاز بهار و جشن سال نوی هجری شمسی است. جشن نوروز را کهن‌ترین نماد فرهنگی ایران دانسته‌اند. این جشن با مجموعه‌ای از آداب و سنت‌های ملی، قومی و مذهبی همراه است. امروزه جشن نوروز در میان کشورها و ملت‌های مختلف برگزار می‌شود و در برخی کشورها تعطیل رسمی است. مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز را با ریشه ایرانی در تقویم خود جای داده است. بسیاری از علمای شیعه، عید نوروز را تأیید کرده، آداب و دعاهایی برای آن نقل کرده‌اند.

عید نوروز چگونه شکل گرفت

انسان، از نخستین ادوار زندگی اجتماعی، متوجه بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی، یعنی تکرار فصول شد. نیاز به محاسبه در دوران کشاورزی، یعنی نیاز به دانستن زمان کاشت و برداشت، فصل بندی ها و تقویم دهقانی و زراعی را به وجود آورد. نخستین محاسبه فصل ها، بی گمان در همه جوامع با گردش ماه که تغییر آن آسانتر دیده می شد صورت گرفت. و بالاخره در نتیجه نارسایی ها و ناهماهنگی هایی که تقویم قمری، با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید صورت پذیرفت. سال در نزد ایرانیان از زمانی نسبتاً کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم شده و همان طور که ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه آورده است آغاز سال ایرانی از زمان خلقت انسان (یعنی ابتدای هزاره هفتم از تاریخ عالم) روز هرمز از ماه فروردین بود، وقتی که آفتاب در نصف النهار، در نقطه اعتدال ربیعی، و طالع سرطان بود.

نوروز اولین روز فروردین، مصادف با اول بهار و آغاز سال جدید خورشیدی است. در مورد پیدایش نوروز، برخی آن را به اولین پادشاهان ایرانی نسبت داده و عده‌ای نیز نوروز را از اعتقادات دین زرتشت دانسته؛ به همین جهت آنرا جشن زرتشتیان معرفی می‌کنند. در مقابل، دیگران نوروز را جشن ملی و آیین کهن ایرانی می‌دانند که کهن‌ترین نماد فرهنگی ایران و بزرگترین جشن ملی ایرانیان است. نوروز را نشانی از فرهنگ متکثر ایرانی و زمینه همزیستی فرهنگ‌های مختلف معرفی کرده‌اند. نوروز را چنین توصیف می‌کنند که در یک زمان، افراد مختلف اعم از زرتشتی، شیعه، سنی، مسیحی و... با مقدسات، کتابها و علائق متفاوت را بر سر سفره هفت‌سین و مراسم نوروز گردهم می‌آورد. حاکمان در ایام نوروز، هدایا و خراج را از مردم می‌گرفتند و در برخی دوران‌ها، انتصاب حاکمان و مسئولان توسط پادشاه در این ایام انجام می‌شد. نوروز در میان کشورها و ملت‌های مختلف جشن گرفته می‌شود و در برخی کشورها تعطیل رسمی نیز است.

آیین ها :

نوروز از قدیم با سنت‌هایی همراه بوده است. ایرانیان برای برگزاری جشن نوروز، از مدت‌ها قبل، خود را آماده می‌ساختند. خانه تکانی از قدیم در میان اقوام ایرانی وجود داشت. ایرانیان به پوشیدن لباس نو در زمان نوروز اهمیت خاصی می‌دهند. کاشتن سبزه عید به صورت نمادین در میان اقوام ایرانی مرسوم بوده است. خانواده‌ها این سبزه‌ها را تا ۱۳ فروردین نگاه می‌داشتند و در آن روز آن را در آب روان می‌انداختند.

سفره هفت سین نیز از جمله سنت‌های ایرانیان است که برای آن فلسفه‌هایی نیز ذکر شده است. علاوه بر هفت سین، قرآن نیز در سر سفره هفت سین قرار داده می‌شود.

ایرانیان در شب چهارشنبه آخر سال، مراسم چهارشنبه سوری را انجام می‌دهند. این سنت، مورد انتقاد برخی پژوهشگران است. از آیین‌های کهن ایرانیان، یادکردن مردگان است. پنج شنبه آخر سال ایرانیان بر سرمار مردگان می‌روند و خیراتی را نیز برای آنها پخش می‌کنند.

عیدی دادن و گرفتن در نوروز بر پایه سنتی دیرینه رواج دارد. رنگ کردن تخم‌مرغ و هدیه دادن آن نیز از جمله سنت‌ها است. از سنت‌هایی که در این ایام رواج بسیاری دارد، دید و بازدید و صلح ارحام است. بسیاری از مردم هنگام تحویل سال به اماکن مقدس می‌روند. سفر رفتن رواج بسیاری در ایام نوروز دارد و مردم بسیاری در این ایام به سفر می‌روند.

روایت های اسلامی و شیعه درباره نوروز

آورده اند که در زمان حضرت رسول(ص) در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند که امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مُردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را فرمود که به آنان ببارند از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرد و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود. و نیز حدیثی است از معلی بن خنیس که گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق(ع) در آمدم گفت آیا این روز را می شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. پس حضرت صادق(ع) گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برایت بازگو می کنم تا آن را دریایی. پس گفت: ای معلی، روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را برپرستند و او را شریک و انبازی نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند. همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد. همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت. همان روزی است که پیامبر خدا، امیرالمومنین علی (ع) را بر دوش خود گرفت تا بت های قریش را از کعبه به زیر افکند. چنان که ابراهیم نیز این کار را کرد. همان روزی است که خداوند به یاران خود فرمود تا با علی(ع) به عنوان امیرالمومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد(ص) و اولیای امر در آن ظهور می کنند و همان روزی است که قائم بر دجال پیروز می شود و او را در کنار کوفه بر دار می کشد و هیچ نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.

امام صادق(ع) در ذیل روایتی که معلی بن خنیس آن را نقل کرده، عید نوروز را تأیید می‌کند و توصیه به غسل، پوشیدن بهترین لباس، روزه و نماز خاص به این روز را دارد.

روایتی از امام موسی کاظم(ع) نقل شده که براساس آن، نوروز از سنت‌هایی است که اسلام آن را قبول ندارد و امام از احیای آن ابا داشته است. بسیاری از علماء و محققان این دو دسته از روایات را مورد بررسی سندی و محتوایی خود قرار داده‌اند. علامه مجلسی روایت تأیید نوروز را قوی‌تر و مشهورتر می‌داند و احتمال می‌دهد که روایت مخالف با نوروز از باب تقیه باشد. ابن فهد حلی نوروز را «جلیل القدر» معرفی می‌کند. بسیاری از علماء نیز روایت تأیید نوروز را پذیرفته‌اند و براساس آن فتوا داده‌اند: امام خمینی(ره) غسل و روزه در عید نوروز را مستحب دانسته است.



مراسم پنجه تا سال ۱۳۰۴، که تقویم رسمی شش ماه اول سال را سی و یک روز قرارداد، برگزار می شد.

میر نوروزی

از جمله آیین های این جشن ۵ روزه، که در شمار روزهای سال و ماه و کار نبود، برای شوخی و سرگرمی حاکم و امیری انتخاب می کردند که رفتار و دستورهايش خنده آور بود و در پایان جشن از ترس آزار مردمان فرار می کرد. ابوریحان از مردی بی ریش یاد می کند که با جامه و آرایش شگفت انگیز و خنده آور در نخستین روز بهار مردم را سرگرم می کرد و چیزی می گرفت. و هم اوست که حافظ به عنوان «میرنوروزی» دوران حکومتش را «بیش از ۵ روز» نمی داند.

از برگزاری رسم میرنوروزی، تا لاقفل ۷۰ سال پیش آگاهی داریم. بی گمان کسانی را که در روزهای نخست فروردین، با لباس های قرمز رنگ و صورت سیاه شده در کوچه و گذر و خیابان می بینیم که با دایره زدن و خواندن و رقصیدن مردم را سرگرم می کنند و پولی می گیرند بازمانده شوخی ها و سرگرمی های انتخاب «میر نوروزی» و «حاکم پنج روزه» است که تنها در روزهای جشن نوروزی دیده می شوند و آنان در شعرهای خود می گویند: «حاجی فیروزه، عید نوروزه، سالی چند روزه».

نفرین باد بر سر پادشاهان و پادشاهان

برخی محققان به این نکته توجه داده اند که رویکرد اسلام نسبت به سنتها، آداب و جشن های ملی، لزوماً رویکردی منفی نیست. تأیید و یا رد این موارد بستگی به محتوای آن دارد. اسلام در مقابل آداب و رسوم دوره جاهلیت نیز همین برخورد را داشته است. به همین جهت برخی معتقدند عید نوروز به دلیل توأم بودن آن با اعمالی مثل هدیه دادن، صلح، احترام به بزرگترها، مهربانی با کوچکترها، پاکیزگی و آراستگی که مورد پسند عقل و شرع است، باید گرامی داشته شود.

دعا و آداب دینی :

علمای شیعه براساس روایات، دعا و آدابی برای نوروز ذکر کرده اند، برای نوروز توصیه به انجام غسل، روزه گرفتن، پوشیدن لباس تمیز و خوشبو شده است. علامه مجلسی برای تحویل سال دعای «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصَارِ یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ یا مُخَوِّلَ الْخَوَلِّ وَ الْاِخْوَالَ حَوْلَ خَالَتَا اِلی اَحْسَنَ الْخَالِ» را نقل می کند.

علامه مجلسی دعای دیگری را نیز برای نوروز نقل کرده است: «اللَّهُمَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِكٌ قَدِیمٌ اَسْأَلُكَ خَیْرَهَا وَ خَیْرَ مَا فِیْهَا وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیْهَا وَ اَسْتَكْفِیْكَ مَوْتَهَا وَ سُغْلَهَا یا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ»

دو نماز دو رکعتی با اعمالی خاص برای عید نوروز نقل شده است.

پیدایش جشن نوروز

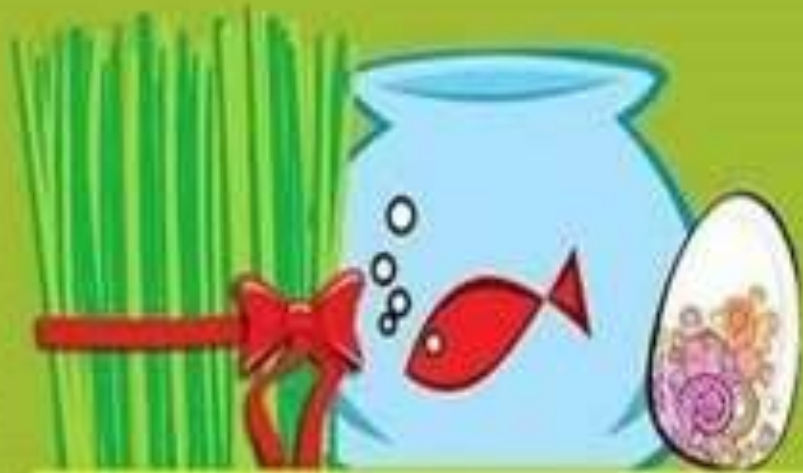
جشن نوروز را به نخستین پادشاهان نسبت می دهند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری چون فردوسی، عنصری، بیرونی، طبری و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره ای آنان بی گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند. جشن نوروز دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد.

ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را پس از جمشید یک ماه می نویسد: « چون جم درگذشت پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، ۵ روز دوم را به اشراف، ۵ روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، ۵ روز چهارم را به ندیمان و درباریان، ۵ روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم را به بزرگان. ولی برگزاری مراسم نوروزی امروز، دست کم از پنجه و «چهارشنبه آخر سال» آغاز می شود و در «سیزده بدر» پایان می پذیرد. از آداب و رسوم کهن پیش از نوروز باید از پنجه، چهارشنبه سوری و خانه تکانی یاد کرد. درخور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده و ابوریحان نیز با آن که جشن را به جمشید منسوب می کند یادآور می شود که: «آن روز که روز تازه ای بود جمشید عید گرفت؛ اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود.» شاعران بزرگ فارسی زبان، اشعار مختلفی در مورد نوروز سروده اند:

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی .
آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار
هر گیاهی که به نوروز نجنید حطب است .
نوروز رخت دیدم خوش اشک بباریدم
نوروز و چنین باران باریده مبارک باد .
همچنین نوروز در اشعار عربی نیز تبلور یافته است

پنجه (خمسه مسترقه)

بنابر سالمای کهن ایران هر یک از ۱۲ ماه سال ۳۰ روز است و پنج روز باقیمانده سال را پنجه، پنجک، یا خمسه مسترقه، گویند. این پنج روز را خمسه مسترقه نامند از آن جهت که در هیچ یک از ماه ها حساب نمی شود.



زندگی مهدوی

شاخصه های سبک زندگی مهدوی

غایت و هدف از خلقت رسیدن به مقام بندگی است: «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون». برای رسیدن به این بندگی، خداوند تبارک و تعالی تمام امکانات را در اختیار انسان قرار داده و می فرماید: «سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»، و حتی کسانی را شایسته بهره وری از نعمتهای مادی و معنوی زمین معرفی می نماید که به مقام عبدالهی نائل گردیده باشند: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون».

امام عصر (عج) نه تنها عبد صالح خداوند می باشد که به عنوان {ابالصالح} یعنی پدر شایستگان و صالحان معرفی می شوند؛ رسیدن به جامعه ایده آل و الهی و بهره گیری کامل از نعمت های دنیوی در گرو رسیدن به این مقام است. بنابراین خانواده به عنوان اولین و مؤثرترین کانون اجتماعی وظیفه انسان سازی و مصلح پروری را بر عهده دارد.

خانه و خانواده هسته مرکزی اجتماع را تشکیل می دهند و مهمترین پایگاه تربیت و انسان سازی به شمار می روند. بر این اساس اسلام بر تشکیل خانواده بسیار تأکید دارد: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الله فی التزوج» محبوبترین بنا نزد خداوند بنای خانواده است. در واقع مقدمه رسیدن به جامعه آرمانی در اسلام ایجاد خانواده ای است که بر اساس معیارها و ارزش های اسلامی تشکیل گردیده. چنین خانواده ای توانایی ایجاد نسل صالح و منتظر را خواهد داشت. در اینجا به مهمترین شاخصه های زندگی مهدوی می پردازیم تا به همراه آشنایی با این شاخصه ها و تلاش برای عملی کردن آنها بتوانیم در ایجاد جامعه ای ولایی، معتقد، منتظر و مصلح از آسیب ها و خطرات اجتماعی نقش آفرین باشیم.

شاخصه های خانواده ایده آل

خانواده اولین و مهمترین کانون در شکل گیری شخصیت انسان می باشد. از ویژگی های بارز آن:

۱. کانون آرامش در زندگی: «لتسکنوا الیها»
۲. یکی از بارزترین جلوه های مودت و رحمت است: «و جعل بینکم مودة و رحمة»
۳. تولید مثل و بقای نسل: امام صادق (ع) می فرماید: «اگر کلونی بر یکی از دو لنگه در دیدی، آیا می پنداری که آن بیهوده نصب شده؛ بلکه به ضرورت می دانی که آن را ساخته اند تا با لنگه دیگر، کنار هم بیایند و مصلحت (بستن در) را نتیجه دهد و بدینگونه حیوان نر را می بینی که گویی برای جفت ماده اش آماده شده است تا دوام و بقای نسل به هم برساند. پس هلاک و ناکامی و نگون بختی، از آن فیلسوف نمایانی که چه سان دلپاشان از این آفرینش شگفت کور است تا آنجا که تدبیر و هدافندی آن را انکار می کنند».
۴. سازندگی فردی و اجتماعی از لحاظ اخلاقی: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن».

جامعه ای می تواند زمینه ساز ظهور باشد که از اعتقادات صحیح سیراب شده و افراد آن در پی انجام وظایف و تکالیف خود باشند، در هر سمت و جایگاه اجتماعی که باشند. اساس این جایگاه ها خانواده می باشد که در صورت عمل به وظایف اساسی در این نهاد، جامعه ایده آل و آرمانی به وجود خواهد آمد و چنین جامعه ای توانایی یاری امام خود را خواهد داشت.

برترین الگوی زندگی اسلامی

اما چگونه می توان به چنین خانواده ای دست یافت. به بیان بهتر آیا شاخصه ای برای تشخیص، تشکیل و حفظ چنین خانواده ای وجود دارد؟ قرآن که کتاب انسان سازی است، پیامبر اکرم (ص) را الگو و اسوه معرفی نموده: «و لکم فی رسول الله اسوة حسنة» لذا اگر کسی می خواهد حیات طیبه و پاکی داشته باشد باید از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در زندگی خود بهره بگیرد. در فرای از زیارت عاشورا می خوانیم: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد؛ خدایا زندگی مرا همچون زندگی پیامبر و آلش (ع) قرار بده.» در واقع نوعی سبک زندگی را از خداوند درخواست می نماید که محمد و آل محمد (ع) به عنوان اسوه آن می باشند.

محورهای سبک زندگی مهدوی

یکی از ویژگیهای منتظران واقعی آنست که پیوسته در صدد شناخت و معرفی الگوی مناسب برای خود و خانواده می باشند. با مطالعه در سیره آن ذوات مقدسه، معیار و ملاک اساسی در زندگی فردی و اجتماعی مخصوصاً تشکیل خانواده دینی و ولایی که در این عصر به زندگی مهدوی معروف شده مشخص می گردد.

زندگی مهدوی بر پایه چهار محور استوار است

۱. عقیده محور ۲. تکلیف محور ۳. دین محور ۴. عزت محور

عقیده محوری

دختر و پسر پیش از ازدواج و تشکیل خانواده و پس از آن و قبل از پدر و مادر شدن و در نهایت پس از آن باید اعتقادات صحیح را در خود ایجاد نمایند و این کاری بس دشوار است: «من نصب نفسه للناس اماما فعلیه آن یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره»؛ آن کس که خود را امام و رهبر قرار می دهد پیش از آموزش و تعلیم دیگران باید به تعلیم خود بپردازد. شناخت صحیح، دقیق و جامع نسبت به ذات و صفات الهی (خداشناسی)، هدفمندی خلقت و تمام اجزاء هستی (معادشناسی)، جایگاه انسان به عنوان خلیفه الله (نبوت و امام شناسی)،

جامعیت دین و برنامه عملی و نیز موانع و دشمنان فرا روی انسان از جمله مسائلی است که باید در سبک زندگی مهدوی به آن پرداخته شود.

اصول دین را باید با تفحص و بررسی باور نمود لذا راهی کوتاه برای رسیدن به این مطلوب قرار داده شده و آن شناخت امام می باشد. شناخت امام خود زمینه ای است برای شناخت خداوند. امام حسین (ع) می فرماید: «ما خلق العباد الا ليعرفوا ... معرفة اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته»؛ ای مردم بندگان را نیافرید مگر اینکه او را بشناسند او شناخت خدا! این است که اهل هر زمانی امام خویش را که باید از او فرمان برند بشناسند.

حتی در بیان دیگر روح خداپرستی در انسان به واسطه شناخت امام حاصل می شود. امام باقر (ع) فرمودند: «بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وحّد الله تبارک و تعالی»؛ به سبب ما خداوند عبادت می شود، به سبب ما خداوند شناخته می شود و به سبب ما خداوند به یگانگی پرستش می شود.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه». این حدیث اهمیت و فضیلت شناخت خلیفه الله را بیان می نماید و هرکس به این مقام راه یابد حتی اگر در ظاهر از درک مولایش محروم گردد ولی از مقام مؤمنان زمان ظهور کم نخواهد داشت؛ به طوریکه غیبت امام در نزد ایشان به منزله مشاهده می باشد.

امام سجاد (ع) می فرماید: ایشان (کسانی که معرفت نسبت به امام پیدا نمودند) به منزله مجاهدانی هستند که در حضور رسول خدا (ص) با شمشیر جنگیده اند. آنان به حقیقت در شمار مخلصان و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در نهان و آشکارند.

تکلیف محوری

انسان پس از کسب شناخت صحیح، اعتقاد و ایمان به شناخته هایش در گام بعد وارد مرحله عمل می شود: «الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات» البته این به آن معنا نیست که فرد بگوید من انگیزه یا شناخت کافی نیافته ام پس تا زمان حصول آن به تکالیف خود عمل نمی نمایم بلکه باید شخص تکالیف شرعی را انجام دهد و به منظور ارتقاء درجه خود نسبت به سایر جنبه ها تلاش جدی نماید. تکلیف مداری در زندگی اسلامی و به طور اخص در زندگی مهدوی فقط شامل مسئولیت پذیری فردی نمی شود و مسئولیتهای اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

مقدمه رسیدن به جامعه آرمانی در اسلام ایجاد خانواده ای است که بر اساس معیارها و ارزشهای اسلامی تشکیل گردیده. چنین خانواده ای توانایی ایجاد نسل صالح و منتظر را خواهد داشت، لذا اولین قدم در جهت مسئولیت پذیری و هدایتگری از خانواده آغاز می شود «و انذر عشیرتک الاقریین» در جایی دیگر خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» در تفسیر "نور الثقلمین" آمده هنگامی که آیه فوق نازل شد فردی از پیامبر (ص) پرسید که چگونه خانواده خود را از آتش حفظ کنم. حضرت فرمودند: آنها را به آنچه خدا امر کرده است امر کن و از آنچه خدا بازداشته نهی کن. اگر از تو اطاعت کردند از آتش دوزخ آنها را حفظ کرده ای و وظیفه خود را انجام داده ای.

در خانواده مهدوی همه باید به مسئولیت خود عمل نمایند در عین حال به اوامر و نواهی خداوند پایبند باشند: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا لعلکم تفلحون». امام باقر (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: ای کسانی که ایمان آورده اید بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید، در برابر دشمن شکیبا و خود را برای یاری امام آماده و مجهز نمایید.

به سوی جامعه آرمانی مهدوی

برای ایجاد جامعه ای ولایی و مهدوی لازم است به معیارهای چنین جامعه ای توجه نمود. دو شاخصه عقیده محوری و تکلیف محوری اساس یک زندگی مهدوی را تشکیل می دهند. جامعه ای می تواند زمینه ساز ظهور باشد که از اعتقادات صحیح سیراب شده و افراد آن در پی انجام وظایف و تکالیف خود باشند، در هر سمت و جایگاه اجتماعی که باشند. اساس این جایگاه ها خانواده می باشد که در صورت عمل به وظایف اساسی در این نهاد، جامعه ایده آل و آرمانی به وجود خواهد آمد و چنین جامعه ای توانایی یاری امام خود را خواهد داشت. در واقع، دو شاخصه عقیده محوری و تکلیف محوری، زمینه برخورداری از دو ویژگی دیگر یعنی دین محوری و عزت محوری را در خانواده تقویت می نمایند.



لطایف «لطایف اهل بیت (ع)»

بوی عطر گرفته بود که بعد، پیامبر(ص) بالای پیکر او آمد و از این واقعه خبر داد. شاید به همین خاطر باشد که همیشه قبر شهید پلارک نیز خوش بو و عطر آگین است.

خصوصیات اخلاقی شهید سید احمد پلارک :

مظلومیت شهید در والفجر ۸ از ناحیه دست و شکم مجروح شد، اما کمتر کسی می دانست که او مجروح شده است.

اخلاص شهید درباره حضورش در جبهه به کسی چیزی نمی گفت، اگر کسی هم درباره حضورش در جبهه سوال می کرد، طفره می رفت و چیزی نمی گفت.

خواهر شهید پلارک درباره او می گوید: احمد می گفت: از این که تمام وقت خود را صرف رسیدگی به کارهای دسته و نیروها کرده ام و وقتی برای خودسازی و خودشناسی خودم ندارم. خیلی ناراحتم. تصمیم گرفتم به گردان دیگری بروم که کسی مرا نشناسد و در آنجا بتوانم کمی به خودم برسیم. او این کار را انجام داد، او رفت و تدارکات چی یکی از دسته ها در گردان دیگری شد.

او فرمانده آرپی، چی زن های گردان عمار در لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) بود. اما به عنوان یک سرباز معمولی در یکی از پایگاه های زمان جنگ، کار می کرد. او همیشه مشغول نظافت توالت های پایگاه بود و همیشه بوی بدی بدنش را فرا می گرفت. در یک حمله هوایی در حال نظافت بود که موشکی به آن جا برخورد می کند و او شهید و در زیر آوار مدفون می شود.

ایثار شهید سید احمد پلارک

سید احمد با تعدادی از رزمندگان در منطقه تصمیم می گیرند تا از رودخانه عبور کنند ، زمستان بود و هوا به شدت سرد ، شهید پلارک رو به بقیه کرده و می گوید : اگر یک نفر مریض شود، بهتر از این است که همه مریض شوند. بنابراین یکی یکی بچه ها را به دوش کنید و به طرف دیگر رودخانه می برد. آخر کار معلوم شد، شلوارش بیخ زده و پاهایش خونریزی نموده است .

آرامت شهید سید احمد پلارک به حضرت زهرا(س)

گردان عمار لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص)، هیاتی به نام متوسلین به حضرت زهرا (س) داشت. هر روز در این هیأت، بعد از نماز جماعت صبح، زیارت عاشورا خوانده می شد و پلارک یکی از مشتریان پر و پا قرص این مراسم بود، اما حال او با حال بقیه خیلی فرق داشت. به محض اینکه نام حضرت صدیقه طاهره ، فاطمه زهرا(س) برده می شد، خیلی شدید گریه می کرد و حال عجیبی می گرفت.

تقوا شهید سید احمد پلارک

خواهر شهید پلارک درباره او می گوید : وقتی بر اثر مجروحیت در بیمارستان بستری شده بود، رفتم کنارش و به او گفتم: «احمد! آخر به ما حلوا ندادی.» در جوابم گفت: «آنقدر می روم و می آیم که یک آدم حسابی بشم.» و همزمان هم تعریف می کردند که قبل از محرم، بیریق ها را می شست، تمیز می کرد، بعد پاهایش را روی سنگ های داغ می گذاشت و می گفت: «لالت می برم! می خواهم این عذاب را تحلل کنم تا بفهمم مسئولیت چیست، نمی توانم جواب خدا را بدهم، اگر کوتاهی کنم، می خواهم یک ذره از عذاب جهنم را بفهمم.»

یکی از همزمانش درباره ی او می گوید : شب عاشورا بود. احمد تعدادی از بچه ها را جمع کرد و گفت : «خُر در شب عاشورا توبه کرد و امام حسین(ع) هم او را بخشید و به جمع خودشان راه داد. بیا بیاید ما هم امشب همین کار را بکنیم.» نیمه شب وقتی بچه ها از خواب بیدار شدند، سید احمد گفت: «پوتین هایمان را در بیاورید.» سپس همه بند پوتین ها را به هم گره زدند داخل آن پر از خاک کرد و روی دوش ها انداخت. بعد، چند ساعتی را در بیابان های «کوزران» در حین پیاده روی، گریه و عزاداری کردیم. هر کس زیر لب چیزی زمزمه می کرد، ولی احمد چیزهایی بر زبان جاری می ساخت که تا به حال نشنیده بودیم.

سید احمد پلارک و مداومت بر مستحبات

مادر شهید پلارک درباره او می گوید در عمرش چند کار را هرگز ترک نکرد :

۱. مداومت بر نماز شب؛ در ۱۳ سالگی تا به هنگام شهادت ۲۳ سالگی نمازشش ترک نگردیده بود. شب های بسیاری سر بر سجده عبادت با خدای خود نجوا می کرد و اشک می ریخت.
۲. مداومت بر غسل روز جمعه.
۳. مداومت بر خواندن زیارت عاشورای هر صبح.
۴. مداومت بر گفتن ذکر ۱۰۰ صلوات در هر روز و ۱۰۰ بار لعن بنی امیه.
۵. مداومت بر خواندن سوره واقعه.

نحوه شهادت شهید سید احمد پلارک

۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۶ ه.ش. در حال نظافت سرویس های پایگاه بود، در یک حمله هوایی ، موشکی به پایگاه اثناب می کند و احمد زیر آوار می ماند. بعد از بمباران، هنگامی که امدادگران در حال جمع آوری زخمی ها و شهیدان بودند، متوجه می شوند که بوی شدید گلایی از زیر آوار می آید. وقتی آوار را کنار می زنند با پیکر پاک این شهید روبرو می شوند که غرق در بوی گلاب بود. هنگامی که پیکر آن شهید را در بهشت زهرا تهران، در قطعه ۲۶ ردیف ۳۲، شماره ۲۲ به خاک می سپارند، همیشه بوی گلاب تا چند متر اطراف مزار این شهید احساس می شود و نیز سنگ قبر این شهید همیشه نمناک می باشد به طوری که اگر سنگ قبر شهید پلارک را خشک کنید، از آن طرف سنگ از گلاب مرطوب می شود!

همه انسان ها شادی را دوست دارند و به کارهایی که باعث شادی و نشاط می گردد، علاقه دارند؛ چرا که شادی کردن، امری غریزی و فطری است. در اسلام نیز به شادی و نشاط پیروانش اهمیت زیادی داده شده است . چنان که پیامبر(ص) و معصومان(ع) همیشه لبخند بر چهره داشتند و با گشاده رویی با مردم برخورد می کردند و روایت شده است که رسول خدا(ص) هنگام سخن گفتن، تبسم می کردند. (مکارم الاخلاق، طبرسی نقل از: درس هایی از زندگی پیامبر نور و رحمت، مهدی حائری تهرانی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی(ع)ص، ۴۲) پیامبر اکرم(ص) درباره شوخی می فرماید : «خداوند ، انسان شوخ طبعی را که در شوخی خود راستگو باشد، مؤاخذه نمی کند.» (نهج الفصاحه، حدیث ۱۶۰۲) امام علی(ع) نیز می فرماید « خوش رویی، احسانی است بی هزینه.» (غررالحکم و درر الکلم، حدیث ۱۵۰۳)

مرا به هشت گردو فروختند

روزی پیامبر، به همراه بلال، از کوچه ای می گذشتند . بچه ها مشغول بازی بودند . بچه ها تا پیامبر را دیدند، دور او حلقه زدند و دامنش را گرفتند و گفتند : همان طور که حسن و حسین را بر شانه تان سوار می کنید، ما را هم بر شانه خودسوار کنید. بچه ها هر یک گوشه ای از دامن پیامبر را گرفته بودند و با شور و اشتیاق، همین جمله را تکرار می کردند . پیامبر با دیدن این همه شور و شوق، به بلال فرمودند: «ای بلال ! به منزل برو و هر چه پیدا کردی، بیآور تا خود را از این بچه ها بخرم.» بلال، با عجله رفت و با هشت گردو برگشت . پیامبر، هشت گردو را بین بچه ها تقسیم کردند و بدین ترتیب، خود را از دست بچه ها رها کردند و به همراه بلال، به راهشان ادامه دادند . در راه، پیامبر، رو به بلال کردند و به مزاح گفتند: «خدا برادرم، یوسف صدیق را رحمت کند . او را به مقداری پول بی ارزش فروختند و مرا نیز به هشت گردو معامله کردند.» (وقایع الایام، ج ۳ ص ۶۹ .)

شوخی با پیامبر: دارم کفش هایمان را می خورم

چشمان ابا هریره، در پی پیامبر بود . در کمین فرصتی نشسته بود تا کفش های پیامبر را بردارد . پیامبر، کفش هایش را درآورد و وارد منزل شد . ابا هریره، آرام و خون سرد، یواشکی کفش های پیامبر را برداشت و به طرف بازار به راه افتاد، بدون این که کسی متوجه شود . اباهریره، در راه، خرما فروش را دید و گفت : «این کفش ها را در ازای خرما می خوری؟» خرما فروش، مقداری خرما از سبد برداشت و به ابا هریره داد و کفش های پیامبر را از او خرید . اباهریره نیز خرماها را گرفت و به طرف خانه رسول خدا(ص) به راه افتاد . ابا هریره آرام و خون سرد، خرما به دست، خدمت رسول خدا(ص) رسید و گوشه ای نشست. ابا هریره تا نشست، مشغول خوردن شد. پیامبر که در جمع یاران نشسته بود، تا چشمانش به اباهریره افتاد فرمودند : « ابا هریره! چه می خوری؟». ابا هریره با لبخند جواب داد : «ای رسول خدا ! دارم کفش های شما را می خورم.» (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۵ .)

سروقامان همیشه سر بلند (زندگینامه و وصیت نامه شهداء)

زندگینامه و وصیت نامه شهید سید احمد پلارک

وجه تشابه ایشان به حنظله ی غسیل الملائکه

مشخصات شهید سید احمد پلارک :

نام پدر: سیدعباس - محل تولد: تبریز - تاریخ ولادت: ۱۳۳۴ - تاریخ شهادت:

۱۳۶۶/۱۲۲۲ - محل شهادت: شلمچه ، عملیات کربلای ۸ - عمر با عزت: ۳۳ سال

محل مزار: شماره ۲۲ ردیف ۳۲ قطعه ۲۶ گلزار بهشت زهرا(س) تهران

زندگی نامه ی شهید احمد پلارک

منوچهر پلارک معروف به سید احمد پلارک فرزند عباس متولد ۷ اردیبهشت ۱۳۴۴ ه.ش. و اصالتاً تبریزی بود. در شش سالگی پدر را از دست داد و چون تک پسر خانواده بود علاوه بر تحصیل، بار مسئولیت خانواده را نیز برعهده گرفت و تن به کار داد و توانست خواهرانش را در ازدواج یاری دهد. او در خیابان ایران میدان شهدا و در محله ای مذهبی زندگی می کرد. مسجد حاج آقا ضیاءآبادی «علی بن موسی الرضاع» مأمّن همیشگی اش بود. وی دائماً به منطقه می رفت.

تشابه شهید احمد پلارک به حنظله ی غسیل الملائکه

شهید سیداحمد پلارک شبیه به یکی از سربازان پیامبر(ص) در صدر اسلام، «حنظله غسیل الملائکه» است. "غسیل الملائکه" به کسی می گویند که ملائکه غسلش داده باشند. در تاریخ اسلام آمده که حنظله غسیل الملائکه که از یاران جوان پیامبر(ص) بود، شب قبل از جنگ احد ازدواج می کند و در حجله می خوابد. فردا صبح، زمانی که لشکر اسلام به سمت احد حرکت می کرد، برای رسیدن به سیاه بسیار عجله کرد و بنابراین ترسید که غسل کند. او در این جنگ شهید شد و ملائکه از طرف خدا آمدند و او را با آب بهشتی غسل دادند. پیکر او



پیش بینی زمان شهادت شهید سیّد احمد پلارک در زمان حیات

هنگام دفن شهید محمد شکر، سیداحمد او را داخل قبر گذاشت و به او گفت: قبل از این که چهلمت برسد، پیشت می آیم». او گفته بود که من شنبه شهید می شوم و دوشنبه جنازه ام را می آورند و همان هم شد. جنازه او را روز دوشنبه، مقارن با چهلم شهادت محمد شکر آوردند. خواهر شهید پلارک درباره او می گوید: آخرین باری که احمد می خواست به جبهه برود، به مادرم گفت: «مادر جان! من دیگر بر نمی گردم. کارهایم را انجام بده، قندی می خواهی بشکن، خانه و زندگی را مرتب کن، این دفعه دیگر بر نمی گردم. من جوابم را از آقا امام رضاع گرفتم.» او چند وقت قبل به زیارت امام رضاع(ع) رفته بود. بعد ادامه داد: «مادر! من برای تو هیچ کاری نکرده ام، ولی آن قدر تو را بالا می برم که همه چیز را جبران کنم.»

همسایه ی بهشتی سید احمد پلارک

قبل از عملیات کربلای ۸، با گردان عمار به مشهد رفته بود. یک روز صبح که از خواب بیدار شد، تب ولرز کرده بود ولی به دوست همراهش گفت: حتماً باید به بهشت رضا بروم و بر این مسأله اصرار می کرد. دوستش از او سؤال کرد که مگر چه اتفاقی افتاده است؟ شهید پلارک گفت: دیشب خواب یک شهید را دیدم که به من گفت: تو در بهشت همسایه من هستی. شهید پلارک می گوید: من خیلی تعجب کردم چون تا به حال او را ندیده بودم، به او گفتم: شما کی هستی الان کجایی؟ گفت: در بهشت رضاع. سیداحمد آن روز آنقدر گشت تا آن شهید را که حتی نام او را هم نمی دانست پیدا کرد وقتی به بالای مزار او رفت، شروع به سخن گفتن با او کرد.

شفاعت سید احمد پلارک

یکی از اشنایان شهید سیداحمد پلارک، او را در خواب می بیند و از او تقاضای شفاعت می کند. شهید پلارک به او می گوید: من نمی توانم شما را شفاعت کنم. تنها وقتی می توانم شما را شفاعت کنم که شما نماز بخوانید و به آن توجه و عنایت داشته باشید. همچنین زبان هایتان را نگه دارید. در غیر این صورت هیچ کاری از دست من بر نمی آید.

علت بوی عطر قبر سید احمد پلارک

خیلی ها سید احمد پلارک را با بوی شمیم گل یاس و عطر مزارش می شناسند. کسانی که زیاد بهشت زهرا می روند، به او می گویند شهید عطری. سنگ مزارش همیشه نمناک است و بوی عطر ترشح می کند. درباره علت این موضوع تا به حال صحبت ها و نقل قول های فراوانی شده است، امامادار شهید اینگونه می گوید: بوی مزار سیداحمد هیچ جز لطف و فضل الهی و رابطه ی ماورایی او با خدا و اولیاء الله ندارد و هیچ کس هم چیزی از این رابطه نمی داند، علتش را خدا می داند و بس.

وصیت نامه شهید سید احمد پلارک

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خدای را که ماره دین خود هدایت نمود و اگر ما را هدایت نمی کرد، ما هدایت نمی شدیم. السلام علیک یا ثار الله! ای چراغ هدایت و کشتی نجات، ای رهبر آزادگان، ای آموزگار شهادت بر حران، ای که زنده کردی اسلام را با خون و با خون انصار و اصحاب باوفایت، ای که اسلام را تا ابد پایدار و بیمه کردید.

یا حسین(ع) دخلم، آقا جانم وقتی که ما به جبهه می رویم به این نیت می رویم که انتقام آن سیلی که آن نامردان بر روی مادر شیعیان زده، برای انتقام آن بازوی ورم کرده و گرفتن انتقام آن سینه سوراخ شده می رویم، سخت است شنیدن این مصیبت ها. خدایا به ما نیرویی و توانی عنایت کن تا بتوانیم برای یاری دینت به کار بیندیم. خدایا به ما توفیق اطاعت و فرمانبرداری به این رهبر و انقلاب عنایت بفرما. خدایا توفیق شناخت خودت آن طور که شهداء شناختند به ما عطا فرما و شهداء را از ما راضی بفرما و ما را به آنها ملحق بفرما. خدایا عملی ندارم که بخوام به آن ببالم، جزمصیبت چیزی ندارم و الله اگر تو کمک نمی کردی و تو یاریم نمی کردی به اینجا نمی آمدم و اگر تو ستار العیوبی را برمی داشتی، می دانم که هیچکدام از مردم پیش من نمی آمدند، هیچ بیلک از من فرامی کردند حتی پدر و مادرم. خدایا به کرم و مهربانیت ببخش، آن گناهانی که مانع از رسیدن بنده به تو می شود، الهی العفو...

مادر! توجه کن! اگر من به زیارت امام رضاع(ع) می رفتم، مگر شما نگران بودید، بلکه خوشحال بودید که به زیارت و پابوس امام خویش رفتم. حال شما اصلاً نباید نگران باشید؛ چرا که من به زیارت خدایم و خالق و معشوقم می روم. پس همچون مادران شهید پرور، استوار و محکم باش و هر کس خواست کار خلافتی، بر ضد انقلاب انجام دهد، جلویش بایست حتی اگر از نزدیکترین کسان باشند. بر روی قبرم فقط و فقط بنویسد:

(امام دوست دارم دعا دارم) که می دانم بر سر قبرم می آید. ظهر عاشورا ۱۴۰۶ ه.ق. مصادف با ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۵ ه.ش. سید احمد پلارک

استدوار وایم با وقت مطالعه فرمایید

رسول اکرمی فرموده فرزندم مهدی، نامش نام من است و کنیتش کنه من، هر خلقت و اخلاق شریفترین مردم نسبت به من است، او نسبت و حرمت دارد که خلق از دین خود کفره شوند و این وقت است که چون نجات یاب از آید و زمین را بر از عدل و داد کند چنانچه بر از نظم و جور شده باشد. و خداوند در سوره قلم آیه ۴ فرموده اخلاق رسول اکرمی می فرماید: «وانک لعن علی من علمه، و لو اجان علمه و بر جستای داری، و باز در آیه دیگر می فرماید: «و ما از نسلک الا رحمة للعالمین، ما نورا حر برای رحمت جهانیان فرستادیم، و طبق این روایت، حضرت مهدی در نیز دارای خلق عظیم است و برای همه جهان رحمت.»

حال اگر رسول خدا را چنین گفتاری داشته است، حضرت مهدی در نیز خواهد داشت و انشاء الله تعالی در سوره سوره بانه. و اگر رسول خدا را چنین نگاری نکرده حضرت مهدی در نیز انجام خواهد داد تا چون او در سیرت و اخلاق شریفترین فرقه نسبت به رسول خدا را است. شیخ کشش در کتاب شریف کتابی و شیخ صدوق در کتاب عین الاخبار فرمادند: «... آوردند که حضرت مهدی در نیز رحمت العالمین است.»

الحمد لله (علی بن محمد الهادی) العالمین اهل حبیبی و العارین لبطین العین و القیل ذلک بانو محمد ج در رحمة للعالمین فقه کمال نوحی و یهدایش و غیر آن وقت

از او فرمودند که وجود آوردم به نام حسین، که مردم را به راه من دعوت می کند و هر که در کعبه خطه من است، بسبب دین او توسط پسر او، محرابی که خانه رحمت همه جهانیان است کامل کند. ام و خود را بر کمال نوحی، نورانیته نفسی، عمر آلود بوده و سوره همه او نایاب من است.

فرمانی روایت از حضرت مهدی در با عنوان «رحمت للعالمین» یاد شده است. حال چطور می شود که رحمت للعالمین برای گفتار امین عالمیانه نه برای هدایت و خوشبختی ایشان باشد!!!!!!

بسم الله الرحمن الرحيم

